

معماری معاصر ایران و مسئله هویت* بازنمایی رئالیستی از خوانش انتقادی پست‌مدرنیسم در معماری

امیرداود مصلحت‌جو^۱، مریم قاسمی سیجانی^۲، وحید قبادیان^۳، بیژن عبدالکریمی^۴

تاریخ دریافت مقاله: ۱۴۰۲/۰۲/۲۸ تاریخ پذیرش نهایی: ۱۴۰۲/۱۱/۱۸

چکیده

پست‌مدرنیسم، وجه غالب باور فرهنگی زمانه‌ای است که تمامی کنش‌ها را - دوباره - قالب‌ریزی می‌کند؛ تا آن‌جا که قدرت متمرکز، جای خود را به کثرت گسسته داده، جلوه‌ای از معاصریت هویت را آشکار می‌کند. این پژوهش کیفی داده‌بنیاد، با هدف تأویل هویت معماری معاصر ایران بر مبنای پست‌مدرنیته و اندیشه انتقادی، به دنبال پاسخ این پرسش است که هویت چگونه می‌تواند به مثابه رویکردی انتقادی، بر بازشناسی معماری پست‌مدرن، به ویژه در دوره ایران معاصر، تأثیر داشته باشد؟ یافته‌ها نشان می‌دهند پیامد جمع‌بندی متغیرهای علی پژوهش در شرایط میانجی وضعیت موجود، رویدادی را رقم می‌زند که در نگرشی بنیادی میان حقیقت (خودشیفتگی تا خودباختگی) و ماهیت (خودباوری) ایرانی، و در گفتمانی تاریخی میان بازخوانی آن چه هست و بازنمایی از آن چه باید باشد، به صورت سلبی (و نه ایجابی)، در خوانشی از یک رئالیسم انتقادی، در حال شدن است و در ارزیابی خودانعکاسی از تفسیری بازخوردی، نحوه بودن را بازمی‌آفریند.

واژه‌های کلیدی

هویت، رویداد، پست‌مدرنیسم، رئالیسم انتقادی، معماری معاصر ایران.

* این مقاله برگرفته از رساله دکتری امیرداود مصلحت‌جو با عنوان «تحلیل دیالکتیک هویت معماری معاصر ایران با تأکید بر خوانش انتقادی پست‌مدرنیسم» است؛ که با راهنمایی دکتر مریم قاسمی سیجانی و مشاوره دکتر وحید قبادیان و دکتر بیژن عبدالکریمی، در دانشگاه آزاد اسلامی واحد شهرکرد انجام پذیرفته است.

** دانش‌آموخته دکتری تخصصی، گروه معماری، واحد شهرکرد، دانشگاه آزاد اسلامی، شهرکرد، ایران.

Email: a.maslahatjoo@std.iaushk.ac.ir

*** دانشیار، گروه معماری، واحد اصفهان(خوراسگان)، دانشگاه آزاد اسلامی، اصفهان، ایران. (مسئول مکاتبات)

Email: mghasemi@khuisf.ac.ir

**** دانشیار، گروه معماری، واحد تهران مرکزی، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.

Email: v_ghobad@yahoo.com

***** دانشیار، گروه فلسفه، واحد تهران شمال، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.

Email: abdolkarimi12@gmail.com

مقدمه

سازنده هویت در معماری، به مدلی پارادایمی از هویت دست یابد؛ که حقیقت، ماهیت و واقعیت معماری معاصر ایران را بیان می‌نماید و در نگرشی بنیادی میان حقیقت (خودشیفتگی تا خودباختگی) و ماهیت (خودباوری) ایرانی، تکوین یافته و در گفتمانی تاریخی - میان بازخوانی از آن چه هست (بود، نمود، باز نمود) و بازنمایی از آن چه که باید باشد (نهاد، خود، فراخود) - به صورت سلبی (و نه ایجابی)، و در تضامن پاسخ‌گویی به عملکرد هنجاری نوین به مثابه رئالیسم انتقادی، بر پیچیدگی موسمی آن وضعیتی تأکید می‌ورزد که ناگزیر از وقوع رویدادی است! که - میان ایرانی بودن یا ایرانی ماندن - در حال شدن است!

ضرورت بازتعریف هویت در معماری معاصر ایران

جست‌وجو برای یافتن هویت می‌تواند ما را هم نسبت به محیط و هم نسبت به خود و جامعه، حساس نماید. این امر، بیش‌تر از آن که کوششی خودآگاهانه برای یافتن هویت به‌عنوان هدفی در خود باشد، محصول فرعی و جانبی حاصل از توجه به مشکلات واقعی است (کورثا، ۱۳۸۷). همه آفریده‌های فرهنگ ایران پیش از اسلام و در دوران اسلامی - در تمامی زمینه‌ها (به ویژه معماری) - به روشنی و به گونه‌ای خیره‌کننده، هویت ایرانی خود را بیان می‌دارند. در این میان، فرهنگ بر خورد آگاهانه با فرهنگ‌های دیگر و بهره‌جستن از آن‌ها به دور از غرق شدن و ازدست‌دادن هویت، از ویژگی‌های معماری ایرانی بوده است. از این رو است که برای دور شدن از فرهنگ تسلیم، حفظ هویت فرهنگی، امری ضروری است (ورجواند، ۱۳۸۶). بسیار هویتی معماری امروز - که در نگاه وحدت‌گرای جامعه، به بی‌هویتی تعبیر می‌گردد - هم اکنون می‌رود تا به بحرانی فرهنگی تبدیل گردد (حجت، ۱۳۸۴). این چندگانگی و عدم قطعیت، به نوعی باعث آن شده تا با از میان رفتن وحدت زویه، سویه کثرت، به سبب تنزل در محتوا و تقلیل در مراتب، به تضعیف هویت بیانجامد و در یکسان‌سازی تولیدات عینی و ذهنی، تمامی هویت‌ها و یکه‌گی‌ها را از بین برده و با از بین رفتن این فواصل انتقادی و تغییر مفهوم زمان و مکان و بروز هم‌زمانی، ایجاد بحران هویت نماید (جاویدصباغیان و سیداحمدی زاویه، ۱۳۹۲). لذا در تأویل این سؤال که اصولاً هویت چگونه می‌تواند به مثابه رویکردی انتقادی، بر بازشناسی معماری پست‌مدرن به‌ویژه در دوره ایران معاصر تأثیر داشته باشد؟ چنین برمی‌آید:

۱. هویت، یک فرایند است، نه یک امر یافت‌شدنی؛ که تمدن در طول حرکت‌اش در تاریخ، از خود به‌جا می‌گذارد.
۲. هویت، به سبب فرایند بودنش نمی‌تواند مصنوع باشد.
۳. هویت، امری خودآگاه نیست (کورثا، ۱۳۸۷).

انسان همواره در پی عنصری بوده تا به کیستی و چیستی خویش راه یابد. لذا دگرگونی نگرش انسان به جهان، دگرگونی هویت‌ها را در پی داشته است. چنان‌که انسان مدرن آمده بود تا خود و جهان را آن‌گونه که می‌خواست بسازد؛ حال آن‌که انسان سنتی مذهبی، هویت خویش را خارج از جهان مادی جستجو می‌کرد و جهان را برهه‌ای می‌دانست میان بودن ازلی و ماندن ابدی (حجت، ۱۳۸۴). در واقع، هویت، مجموعه خصوصیتی است که همان اوئیت یا آئیت و به عبارتی این‌همانی فرد یا شیء است (عبادیان به نقل از علیخانی، ۱۳۸۳) و از آن‌جا که رابطه انسان با دیگران، ریزوموار است، انسان ناچار از هم‌زیستی با فرهنگ‌های گوناگون می‌باشد (شایگان، ۱۳۹۶). لذا هویت، حاصل (این) هم‌زیستی و دیالکتیک خود و دیگری است (آشنا و روحانی، ۱۳۸۹)؛ که از طریق تغییر پیش‌فرض‌های فرد در مورد خود و دیگران، شکل می‌گیرد و با ابزار قیاس و تفسیر، باورهای ذهنی را مورد انتقاد و ارزیابی قرار می‌دهد و در حرکتی رفت و برگشتی مابین نقد پوزیتیویستی و نقد تفسیری، به شأن مستقلی از پدیده‌ای فرهنگی دست می‌یابد که ثابت نیست و هر آن ممکن است تغییر کند؛ حال یا در تکوین بافتار (از طریق تکنولوژی و عملکرد) و یا در پیچیدگی ساختار (از طریق روابط برنامه‌محور و کاربردی). گیدنز (۱۳۹۸) در تعبیر ماهیت هویت معتقد است بسیاری از اعتقادات و رویه‌های عرفی که برای تعریف هویت در جوامع سنتی استفاده می‌شده‌اند، اکنون دارای تأثیرپذیری کمتری هستند. از این رو، در جوامع معاصر، افراد مدرن، دائماً - در مورد جنبه‌هایی مانند مقصد، روابط، ظاهر و سبک زندگی - خودتأمل‌گر بوده و در مورد آن چه باید انجام دهند و این که چه کسی باید باشند، تصمیم‌گیری می‌کنند. بدین ترتیب، در پاسخی داده بنیاد به این پرسش که هویت چگونه می‌تواند به مثابه رویکردی انتقادی بر بازشناسی معماری پست‌مدرن به‌ویژه در دوره معاصر ایران تأثیر داشته باشد، به بنیادی نظری ناآل می‌گردند؛ که در تضامن پاسخ‌گویی به عملکرد هنجاری نوین، بر پیچیدگی موسمی آن وضعیتی تأکید می‌ورزد که ناگزیر از شیوه‌ای مبتنی بر تکامل گونه‌ای از فرهنگ جهانی، از طریق بازسازی وضعیت‌های ناپایدار است و به واسطه ابهام، گشودگی و تعیین‌ناپذیری، به گذرگاهی موقتی میان وضعیت‌های آلترناتیو، منتج می‌شود؛ که بدیلی رادیکال بر رئالیسم انتقادی در بازگشت به واقعیتی سنتی است؛ که این پژوهش، از آن پدیده با عنوان رویداد نام می‌برد و با سازماندهی رویداد به مثابه فعالیت، برنامه‌ریزی و کاربرد، کارکرد این سطوح را در پیدایش هویت‌های نوپدید، موردبررسی قرار می‌دهد. این پژوهش سعی دارد تا با ترسیم نسبت میان معماری و هویت، ضمن ارزیابی مؤلفه‌های

مبانی نظری پژوهش

در چند دهه اخیر معماری، ساختمان‌ها و عمارت‌های مختلفی با هزینه‌های فراوان ساخته شده است؛ اما یا سازندگان مدعی هویت‌مندی آن هستند یا منتقدانش آن را بی‌هویت می‌دانند. در چنین شرایطی، نبود معیارهای لازم و تعریف اساسی از مفهوم هویت باعث شده که روشنفکران و روشنفکرمان‌بان - به طریقی - یا داعیه‌دار آن باشند و یا منتقدش. حتی گاهی نهادهای دولتی نیز در افسون این واژه گرفتار می‌شوند و هزینه‌های سرسام‌آور ساخت‌وسازهای خود را به دست معماران و طراحانی می‌سپارند که مُبلِّغ هویت‌مندی سازه‌های خود هستند؛ اما در پایان، اثری از دل خاک سر برمی‌آورد که نه هویت دارد و نه حتی ساختاری معمارانه. در معماری فعلی ایران که (عموماً) برگرفته از نمونه‌های خارجی است، پرداختن به موضوع هویت، در بهترین شرایط، بیهوده است. معماری ایران در دوره‌هایی چنان شکوفا بوده که اکنون می‌توان آن را صاحب هویت دانست. لکن تعریف و معیار این هویت، گم شده است (سلطان‌زاده، ۱۳۹۶). مفهوم هویت برای انسان سنتی (مذهبی) باوری است واحد و الهی؛ که به مدد ایمان به غیب، شکل می‌گیرد و سازنده و پردازنده پندار، کردار و رفتار او است. در حالی که انسان مدرن (سکولار)، خود به مدد خود، هویت متکثر و اکتسابی خویش را در جامعه ساخته است. در نگاه سنتی، هویت انسان مقدم بر وجود اوست و در نگاه مدرن، وجود انسان، مقدم بر هویت‌اش. بدین ترتیب، بسیاری هویتی معماری امروز - که در نگاه وحدت‌گرای جامعه، به بی‌هویتی تعبیر می‌گردد - هم اکنون می‌رود تا به بحرانی فرهنگی تبدیل گردد (حجت، ۱۳۸۴) و این چندگانگی و عدم قطعیت، به نوعی باعث آن می‌شود تا با از میان رفتن وحدت رویه، سبب کثرت، به سبب تنزل در محتوا و تقلیل در مراتب، به تضعیف هویت انجامد و در یکسان‌سازی تولیدات عینی و ذهنی، تمامی هویت‌ها و یکه‌گی‌ها را از بین برده و با از بین رفتن این فواصل انتقادی و تغییر مفهوم زمان و مکان و بروز هم‌زمانی، ایجاد بحران هویت نماید (جاویدصباغیان و سیداحمدی زاویه، ۱۳۹۲). فرهاد احمدی - معمار زمینه‌گرای معاصر - در پاسخ به این سؤال که «هویت، از کجا می‌آید؟»، آن را برآمده از محدودیت‌ها و فرصت‌هایی می‌داند که در بستر طبیعی وجود دارند و در قالب بینش و باورهای خاص، شکل گرفته‌اند. لذا هویت، نتیجه چالشی است که انسان‌ها در طول زمان، با (زیست) مکان‌شان داشته‌اند. از این رو ایرانی کسی است که در کویر و درون این فلات خشک، زندگی کرده و شش‌هزارسال تاریخ دارد و به نحوی زندگی خود را شکل و سامان داده است. بنابراین، بی‌هویتی نتیجه فقدان چنین چالشی است؛ اگرچه به ظاهر، معماران ایرانی از جریان معماری مدرن جدا نبوده و - احتمالاً - شیوه کار بسیاری از آن‌ها، مدرن است! انقلابی فراتر

از سلیقه! که نه چندان ابژکتیو (عینی) است و نه راسیونال (عقلی)! هویت، از عوامل پایدار موجود در بستر خود برمی‌خیزد. لذا به معنی فرعی بودن نحوی حضور و آگاهی در ساحتی ویژه است که عَرَضی نیست و در الگوپذیری از روند تاریخی و به مثابه الگوهای نشانه‌ای، دست به عصیان علیه هویت‌های متکثر (ناپایدار) دیگر می‌زند و بر اثر تکرار، تبدیل به یک نشانه انگیزه‌می‌شود و چون وجودی است، گم نمی‌شود و اگر مجال بروز نیابد، راهی برای ظهور می‌یابد، صورتی دیگر می‌جوید و در بستری نو، جاری می‌شود. بنابراین، آنچه هویت را می‌سازد و بدان شکل می‌دهد، نحوه حضور و بودن است. از این رو، هویت، هست‌بودن است! (مصاحبه شخصی، ۴ بهمن ۱۳۹۸). این امر، مستلزم یک عملکرد (رفت و برگشتی) هویتی و تفسیر بازخوردی از بازخورد دیگران (ارزیابی خودانعکاسی) است؛ بر این فرض که افراد، مجموعه‌ای درونی شده از معانی مرتبط با شخصیت، نقش و هویت گروهی خود را دارند و تلاش می‌کنند تا دیگران، آن‌ها را به گونه‌ای ببینند که با این معانی سازگار است. تئوری هویت - در ابتدا - بر روی نقش هویت‌ها، متمرکز است؛ اما از آن به بعد، به حیطه هویت‌های اجتماعی یا گروهی و هم‌چنین هویت‌های فردی، گسترش می‌یابد. نقش‌های هویتی، موقعیت‌های اجتماعی است که فرد، مدعی آن در جامعه خود است و عضویت او را در یک دسته یا گروه بزرگ‌تر، با ویژگی‌های مشابه، مشخص می‌کند و از طریق آن، شخص، خود را به عنوان فردی منحصر به فرد در جامعه، تعریف می‌نماید. بدین ترتیب، موقعیت‌هایی را که این هویت‌های نقشی و اجتماعی/گروهی در آن جاسازی می‌شوند، در قالب هویت اصلی ارائه می‌کند؛ که در درون و در سراسر نقش و هویت‌های اجتماعی/گروهی، قرار می‌گیرد. نظریه هویت، چارچوبی قوی برای درک هنجارهای جدید اجتماعی، فراهم می‌کند و در عین حال که شرایط جدید یک جامعه را برای نظریه‌پردازی از هویت فراهم می‌آورد، امکان پذیر بودن مفروضات موجود را بررسی می‌نماید (Stets & Serpe, 2016). مع‌ذک، از آن‌جا که جامعه ایرانی هنوز جامعه‌ای سنتی و ماقبل مدرن است، بی‌آن‌که نهادهای مدرن در آن شکل گرفته باشد و بی‌آن‌که جامعه، تجربه راستینی از مدرنیته، عقلانیت جدید، دموکراسی و ... داشته باشد - بی‌جهت - شاخصه‌های اصلی تفکر غربی را در خود تسری داده و تاریخ غرب را با تاریخ بومی و محلی جوامع غیر غربی یکسان گرفته، رواج بحران معنا یا نیهیلیسم غربی و دیگر شاخصه‌های نظام معنایی پست‌مدرن در جوامع فراصنعتی غربی به جامعه سنتی و ماقبل صنعتی، به وضعیت موجود جامعه معاصر، بدل گشته است. این انگاره، ناشی از نوعی نگاه جامعه‌شناسانه است که پست‌مدرنیسم را نه به منزله یک نظام معنایی، بلکه به منزله ساحتی اجتماعی و تقریباً

(به‌خصوص معماری پس از اسلام) در خود داشت؛ لکن برخورد آن با معماری گذشته ایران، چنان عمیق نبود و به‌خصوص که عناصر کلیشه‌ای معماری فرامردن نیز به‌وفور در این آثار، به‌کار گرفته شده بود (میرمیران، ۱۳۸۹، ۴۳). هم‌زمان که چشم معماران ایرانی بر روی ایده‌های خارجی گشوده می‌شد و بعضاً بدان متکی می‌گردید، جریان هویت ملی - که طرف‌دارانی در میان روشنفکران یافته بود - بر این نکته تأکید می‌کرد که معماری ایرانی باید بر شرایط محلی و اقلیمی و مصالح بومی منطبق و با سنت، سازگار باشد. تلاش جریان نوین معماری ایران بر آن بود تا نوعی معماری بیافریند؛ که در تداوم و تکامل معماری این سرزمین کهن باشد و بتواند جایگاه شایسته‌ای در معماری معاصر جهان به‌خود اختصاص دهد. ایران در مسیر تاریخ پرتلاطم خود به‌عصر مدرنیزاسیون رسیده بود؛ که با دوره اول جنگ‌های ایران و روس (۱۱۸۴ تا ۱۱۹۲ شمسی) آغاز و تا پایان عصر سلطنت پهلوی (۱۳۰۴ تا ۱۳۵۷ شمسی) ادامه می‌یافت. این دهه‌های پرآشوب، سرآغاز سلسله‌ای از تغییرات و تحولات اجتماعی و فرهنگی گردید؛ که نتیجه آن ظهور ایران مدرن بود. در اوایل دهه ۱۳۰۰ شمسی، معماری در ایران چندان تفاوتی با دهه‌های قبلی نداشت. هر چند تغییراتی در رسم متعارف معماری - به‌لحاظ سبک ساختمان و کاربرد مصالح در ایران - پدید آمد، اما عمده ساخت‌وسازها - به‌لحاظ طرح، مصالح و فنون - هنوز هیئت سنتی خود را حفظ کرده بود. در واقع، تا نیمه دوم دهه ۱۳۱۰ شمسی، معماران مدرنیست ایرانی، در جست‌وجوی چارچوبی نظری و عملی، به‌سبب با سلطه معماری سنتی و کشف مسیرها و فرم‌های جدید در معماری برآمدند؛ تا آن‌جا که در اواخر دهه ۱۳۱۰ شمسی، معماری مدرنیستی، جای پای خود را در ایران استوار ساخت. پس از جنگ دوم جهانی و در فاصله سال‌های ۱۳۲۴ تا ۱۳۳۲ شمسی، ایران در معرض تغییراتی عمده در عرصه اجتماعی و شهری قرار گرفت. در این دوره، با رشد سریع طبقه متوسط شهری، احزاب تکنوکرات در عرصه سیاست پدید آمد و عمران و توسعه مدرن شهری آغاز گردید. از اوایل دهه ۱۳۵۰ شمسی، با افول اقتدار معماری مدرن در غرب (بعد از هفتاد سال)، معماری معاصر ایران نیز تحت تأثیر قرار گرفت: وحدت‌رویه‌ای که معماری مدرن در بخش عمده‌ای از معماری قرن بیستم میلادی در برابر معماران قرار داده بود، فرو پاشید و جای خود را به کثرت سبک‌های معماری و نظریه‌ها داد (بانی‌مسعود، ۱۳۹۹). به تبعیت از این جریان‌سازی، معماری دوره جمهوری اسلامی، به‌دو دوره مشخص تقسیم می‌شود:

دوره اول: از آغاز انقلاب ۵۷ تا پایان جنگ ایران و عراق؛ که در تیرماه ۱۳۶۷ شمسی پایان می‌یابد (دوران جنگ).

برابر با جامعه فراصنعتی، تلقی می‌کند. در این نگرش، دو مفروض مهم وجود دارد:

۱. تصور این‌که هنوز در دوران معاصر، می‌توان قائل به وجود ساخت‌ها و هویت‌های مستقل تاریخ‌های بومی و قومی بود.

۲. فهم خطی از تاریخ؛ گویی همه جوامع باید از مسیر مشخصی - که همانا تاریخ غربی است - عبور کنند (عبدالکریمی، ۱۳۹۸).

لیکن با وقوع انقلاب اسلامی ایران، سنت نهادینه‌شده تاریخی، به‌عنصری از عناصر قدرت، بدل‌گشت و قدرت سیاسی خواهان آن شد تا هم اسلام و هم فهم خاصی از سنت را در قالب نوعی فراروایت، بنمایاند. اما روشنفکران، خواهان ارائه تفسیر دیگری از جهان، تاریخ و واقعیت بودند. لذا سنت، در حاشیه مدرنیته و پست‌مدرنیته قرار گرفت. حال آن‌که، هم روشنفکران مخالف سنت با تأکید بر پذیرش آگاهی مدرن و پسامدرن، و هم روشنفکران دینی با تلاش به منظور نیل به سنتی عقلانی‌شده، و هم قدرت سیاسی به واسطه تقلیل سنت - جملگی - علی‌رغم همه منازعات، زمینه‌های ورود ایران به عالم پست‌مدرن را، با فروپاشی برخی ارزش‌های فرهنگی، از مدت‌ها پیش فراهم ساخته بودند (جهانبگلو، ۱۳۸۵). چنان‌که ایرج اعتصام - معمار معاصر و پیشکسوت معماری - معتقد است امروزه - از نظر کمی - حضور سبک‌های دیگر در مقابل معماری مدرن، بسیار ناچیز و قلیل است؛ هر چند که این سبک‌ها جدیدتر بوده و راه‌حل‌های نوین برای نیازها و معضلات کنونی ارائه می‌کند؛ لیکن در یکصد و پنجاه سالی که از عمر این معماری می‌گذرد، دو نوع معماری ظهور و گسترش یافته است:

نوع اول، سبک‌های مبتذل و پیش‌پا افتاده؛ که علی‌الخصوص از دهه ۱۳۳۰ شمسی تاکنون دوام داشته است.

نوع دوم، اثرات هر چند محدود معماران توانمند ایرانی؛ که در دوران مختلف تاریخ معاصر ایران - اعم از قاجاریه، پهلوی و دوره بعد از انقلاب اسلامی - آثار مهم، آموزنده و قابل تحسینی از خود به‌جای گذاشته‌اند (مصاحبه شخصی، ۷ دی ۱۴۰۰).

با شروع جریان‌های فرامردن در معماری (۱۹۸۵-۱۹۶۹ م. / ۱۳۶۴-۱۳۴۸ ش.) - که مقارن با پیروزی انقلاب اسلامی در ایران بود - دو موضوع به موازات هم، دوره جدیدی از معماری را در ایران به‌وجود آورد: یکی این‌که پس از پیروزی انقلاب اسلامی، معماران ایرانی سعی کردند معماری ایران را به‌سوی یک معماری با هویت مستقل متکی بر میراث گذشته خود هدایت کنند؛ و دیگری آن‌که مبانی معماری فرامردن نیز توجه جدی به معماری گذشته را مطرح می‌ساخت. این دو موضوع، آثاری در ایران به‌وجود آورد که سبک و سلیقه معماری فرامردن را با توجه به عناصر معماری گذشته ایران

دوره دوم: دوره تثبیت و بازسازی کشور؛ که از پایان جنگ تا زمان حاضر است (دوران سازندگی).

از دوره دوم معماری جمهوری اسلامی می‌توان با عنوان دوره شکوفایی معماری پست‌مدرن ایران نام برد. در این دوره ساختمان‌های مهم و ارزش‌مندی با عملکردهای مختلف، احداث شد. برخلاف این دسته از ساختمان‌ها، تعدادی ساختمان پست‌مدرن نیز در سنوات اخیر ساخته شد؛ که باید آن‌ها را سبک پست‌مدرن جهان سومی نامید. ساختمان‌های پست‌مدرنی که در آن‌ها معماری مدرن و معماری تاریخی با هم تلفیق شده‌اند؛ ولی هویت‌شان متعلق به ایران نیست و بیش‌تر جنبه کی‌پرداری بدون تعمق از معماری جهان دیگری - به نام جهان اول و یا جهان غرب - دارد (قبادیان، ۱۴۰۰).

پیشینه پژوهشی و سوابق مطالعاتی

(هر کسی از ظنّ خود شد یار من)

در اکثر کارهای معماران پست‌مدرن مشاهده می‌شود که آن‌ها سعی دارند تا از نشانه‌ها و نمادهایی استفاده کنند که در هر منطقه، مشخص‌کننده نوع کاربری آن ساختمان باشد. مانند خانه مادر و نتوری؛ که در طرح آن، از نمادهای یک خانه و آن‌چه که در غرب به عنوان خانه شناخته می‌شود، استفاده شده است. برخلاف ایده مطرح‌شده در ویلا ساووا (خانه، ماشینی برای زندگی) و یا خانه شیشه‌ای (کمتر، بیشتر است)، در خانه مادر و نتوری، ایده «خانه، خانه است» بیان می‌شود. به بیانی دیگر، اگرچه لوکوربوزیه در تفکر «به سوی یک معماری جدید» (۱۹۲۷)، نگاه معماران را به اتوموبیل، کشتی، و به طور خلاصه به تکنولوژی معطوف داشته، و نتوری و دیگر معماران پست‌مدرن، می‌خواهند نگاه معماران را به سمت فرهنگ، تاریخ، سنت و در یک کلام، آن چیزی که هویت انسان و محیط کالبدی پیرامون آن را شکل می‌دهد، برگردانند (قبادیان، ۱۴۰۱). اما در ادبیات معماری معاصر ایران، این تعریف دارای روایت دیگری است ...

با شروع جریان‌های فرامدرن در معماری جهان - که هم‌زمان با پیروزی انقلاب اسلامی در ایران بود - دو موضوع به موازات هم، دوره جدیدی از معماری را در ایران به وجود آورد: یکی این‌که اصولاً پس از پیروزی انقلاب اسلامی، معماران ایران سعی کردند معماری ایران را به سوی یک معماری با هویت مستقل متکی بر میراث گذشته خود هدایت کنند؛ و دیگر آن‌که مبانی معماری فرامدرن نیز توجه جدی به معماری گذشته سرزمین‌ها را مطرح می‌ساخت. این دو موضوع، دست به دست هم دادند و آثاری در ایران به وجود آوردند که سبک و سلیقه معماری فرامدرن را با توجه به عناصر معماری گذشته ایران

(به خصوص معماری پس از اسلام) در خود داشت؛ لکن برخورد آن با معماری گذشته ایران، برخورد چنان عمیقی نبود و به‌خصوص که عناصر کلیشه‌ای معماری فرامدرن نیز به وفور در این آثار، به کار گرفته شده بود (میرمیران، ۱۳۸۹). دوران پست‌مدرن، آغازگاه زمینه جدیدی در معماری گردید که ساختار ثبت‌شده آن، بیش‌تر ترکیبی التقاطی بوده و در آن، حس واکنش به دوران خردگرایی قبل، بیش‌تر از آن‌که دربرگیرنده نظریه جدید و قابل تبدیل کالبدی گردد که حاوی نگاه فلسفی باشد، دستورالعملی در گفت‌وگوها بود (دیبا، ۱۳۸۷). به اعتقاد قبادیان، معماری پست‌مدرن - معمولاً - التقاطی از سبک‌های معماری در زمان‌ها و مکان‌های مختلف است؛ چنان‌چه پیرنیا نیز در این خصوص معتقد است:

«شاید بتوان شیوه‌ای را نیز به نام شیوه انحطاط یا شیوه تهرانی نام برد؛ که از دوره قاجاریه و به‌خصوص زمان ناصرالدین‌شاه، تقلید شد و به طور مثال در ساختمان شمس‌العماره، با این‌که از بناهای آلمانی تقلید شده بود، ولی پلان آن ایرانی است.» (پیرنیا، ۱۳۷۰)

شیوه‌های معماری ایرانی پیرنیا (۱۳۷۰)، بعد از دو کتاب سیری در هنر ایران پوپ و اکرمین (۱۳۸۵) و هنر ایران گذار (۱۳۵۸)، از اولین کتاب‌های تاریخ معماری ایران هستند که تاریخ معماری ایران را تا اواسط عصر قاجاریه، مورد بررسی قرار داده‌اند؛ ولی فراتر نرفته‌اند. از این رو، رجبی (۱۳۵۵)، بررسی معماری را در دوره پهلوی و با سه رویکرد معماری دولتی، معماری دولتمندان و معماری بی‌دولتان، دنبال کرد؛ تا این نوشتار، نخستین کتاب معماری دوران پهلوی باشد. معماری دارالخلافه ناصری (۱۳۸۲) - به عنوان رساله دکتری قبادیان - و معماری دوره پهلوی اول (۱۳۸۳) - به عنوان رساله دکتری کیانی - مبنی‌سوی‌ترین کتب معماری معاصر ایران است؛ که به شرح معماری در دوره ناصرالدین‌شاه و پهلوی اول با محوریت تهران می‌پردازد. این میحث، توسط حبیبی (۱۳۸۳) ادامه یافت. او ضمن شرح جریان‌های فکری معماری معاصر در ایران، نظریه‌های حوزه معماری را از اواخر دوره ناصرالدین‌شاه تا سال ۱۳۸۳ شمسی، دسته‌بندی و بررسی نموده است.

جامع‌ترین کتاب در شرح حال معماران و ساختمان‌های مهم ایران از ابتدای عصر قاجاریه تاکنون، توسط امیر بانی‌مسعود با عنوان معماری معاصر ایران در تکاپوی سنت و مدرنیته (۱۳۸۸) به چاپ رسیده است. بانی‌مسعود در تکوین مطالعات نظری معماری معاصر، ضمن بررسی جریان‌های فکری معماری پست‌مدرن (۱۳۸۷)، به بازنویسی و واکاوی تازه‌ای از معماری معاصر در ایران از سال ۱۳۰۴ تا کنون (۱۳۹۹) می‌پردازد. مقدمات این شرح حال، با نگاهی به پیدایی معماری نو در ایران و با تأکید بر عصر پهلوی، توسط باور (۱۳۸۸)، تبیین شده

است. از باور، ترجمه ارزشمند دیگری بر تاریخ معماری مدرن اثر **لئوناردو بنه ولو (۱۳۵۳)** موجود است. بنه ولو، تاریخ معماری مدرن را از سال ۱۷۶۰ تا پایان سال ۱۹۹۰ میلادی، به پنج دوره شهر صنعتی، آوانگاردها، نهضت مدرن، پس از جنگ، موج نو تقسیم می‌نماید. اسکندر مختاری طالقانی، در میراث معماری مدرن ایران (۱۳۹۰)، به توصیف مشروح ساختمان‌های دوره پهلوی (اول و دوم) و جمهوری اسلامی پرداخته است و در انتهای کتاب، مسائل حفاظت این بناها مورد بحث قرار می‌دهد.

داراب دیبا (۲۰۱۸)، معماری معاصر ایران را - در مجموعه‌ای (به زبان انگلیسی) که در آن به تجزیه و تحلیل معماری بیش از سیصد ساختمان شاخص ایران معاصر، پرداخته می‌شود - از منظر معرفی بناها و معماران به خواننده جهانی معرفی می‌نماید.

انصاری در تحلیلی بر معماری معاصر ایران (۱۳۹۵)، تمامی رویدادهای معماری معاصر ایران و وجه تمایز این دوره با رویدادهای دیگر در اعصار مختلف را حاصل مواجهه فرهنگ ایرانی با فرهنگ مغرب زمین می‌داند. مواجهه‌ای که دیگر نقش هم‌حضوری را بر عهده ندارد و در رویکردی معرفت‌شناسانه، به عرصه تأثیرگذاری مستقیم و غیرمستقیم، و حتی فراتر از آن، به اقتباس و تقلید کشانده شده است. نگاهی که سعید حقیر و حامد کامل‌نیا، در دو کتاب نظریه مدرنیته در معماری (۱۳۹۴) و نظریه مدرنیته در معماری ایران (۱۳۹۹)، به شرح این معرفت‌شناسی و اپیستمولوژی (شناخت‌شناسی) حاکم بر دنیای معماری امروز و جامعه ایران می‌پردازند.

از میان انبوه مطالعات و رسانی که به توصیف موضوع هویت معماری پرداخته‌اند، **آشوری کفشگر (۱۳۹۶)**، دستیابی به فهم تاریخی چگونگی رویارویی سنت و مدرنیته در تحولات اجتماعی و فرهنگی ایران در عصر پهلوی دوم را مهم‌ترین عامل شکل‌گیری معماری معماران هویت‌گرای معاصر می‌داند. هم‌چنین در موضعی مشابه، **عابدی (۱۳۹۵)**، نوآوری را عامل ارتقاء هویت کالبدی فرآورده‌های معماری معاصر ایران برمی‌شمارد. لیکن هیچ‌یک از این دو، تفسیری از هویت معماری معاصر ایران ارائه نمی‌دهند و صرفاً به تحلیل تاریخی و کالبدی هویت از نگاه ابژکتیو می‌پردازند. در نزدیک‌ترین پژوهش به موضوع تحقیق، **طاهایی (۱۳۸۱)** در نگرشی فلسفی، بازشناسی و چگونگی تأثیرات معماری پست‌مدرن بر معماری معاصر ایران را مطرح می‌کند. اما علی‌رغم نگاه فلسفی محقق به پست‌مدرنیته، این محوریت معماری مدرن است که به نقدی پوزیتیویستی از آثار معماری ایران دست می‌یابد؛ و در نهایت منتج به نقدی تطبیقی از آثار معماری معاصر می‌گردد. لیکن شاید آن‌چه بیش از همه جلب توجه می‌کند این نکته باشد که اغلب این مطالعات، ساختمان‌محور هستند؛

چنان‌چه به کفایت و ضرورت، نتوانسته‌اند به صورت سیستماتیک، به نقد و تحلیل چپستی مبانی معماری معاصر ایران بپردازند. خاصه آن‌که ساختمان‌ها نیز بر اساس آن مبانی، گونه‌شناسی نشده‌اند.

از معدود رسالاتی که با رویکرد پدیدارشناسانه به موضوع معماری معاصر ایران پرداخته است، پایان‌نامه دکتر **مرتضی نیک‌فطرت کرم‌حله (۱۳۹۸)** با عنوان پدیدارشناسی ادراکات چندحسی در آثار معماری معاصر ایران (دهه هشتاد شمسی تاکنون) است. نیک‌فطرت با مرکزیت قراردادن انسان و اهمیت فضای تجربه‌گرا و چندحسی، به بررسی مؤلفه‌های تجربه زیسته مکان‌های خلق‌شده در مواجهه شخصی و ادراکی کاربران، به منظور بازتعریف مفهوم مکان در تجربه معماری موزه هنرهای معاصر تهران، می‌پردازد.

در میان انبوه مقالات پژوهشی با محور معماری معاصر ایران نیز **شایان و معمار دزفولی (۱۳۹۳)**، با نگاهی به معماری معاصر در ایران، به تقسیم‌بندی نسل‌های این دوره پرداخته‌اند:

۱. **نسل اول:** از اواسط عصر قاجاریه تا قبل پایان دوره پهلوی دوم؛ در دوره موسوم به شبه مدرنیسم ایرانی؛ با هدف ظهور معماری ایرانی جدید.

۲. **نسل دوم:** معماران متأخر بعد از انقلاب اسلامی ۱۳۵۷ شمسی؛ با هدف آشتی دادن سنت و تحولات معماری مدرن.

۳. **نسل سوم:** جریان ایده‌پرداز جوان در عصر حاضر؛ با هدف گذر از اهداف و جهان‌بینی مدرن و رسیدن به فرم جدید.

تعدادی مقاله دیگر نیز - بالاخص در دو دهه اخیر - در نشریات و مجلات مختلف معماری توسط دانش‌پژوهان و محققین، به رشته تحریر در آمده است؛ که به نظر، دارای یک خلأ اساسی است؛ از آن جهت که در آن‌ها، مبانی نظری معاری معاصر ایران - به صورت سیستماتیک و با توالی تاریخی - نقد و تحلیل نشده است. چنان‌که از این ادبیات برمی‌آید، جداسازی نقش خردگرایانه زبان (معماری) در مقابل تجربه احساسات (معمار)، اگر منجر به رویارویی ساده میان ذهن و عقل شود، بازی خسته‌کننده‌ای است. لذا تحلیل از غیرمادی‌بودن معماری در شکل هستی‌شناسانه آن، و در تجربه حسی آن، تفاوتی ندارد. گویی عدم امکان پرسش‌گری باعث آن می‌شود تا واقعیت معماری، بر تئوری معماری، پیروز گردد (**چومی، ۱۳۹۹**). حال آن‌که امروزه این مسئله ذهن ما را به خود مشغول داشته است که قرن گذشته چگونه شکل گرفته و ریشه‌های افکار آن دوران، چگونه در دل مردم، جایگزین شده است. بنابراین لازم است تا برای این کار، نقاط عطف گذشته نزدیک را در نظر گرفت (**باور، ۱۳۸۸**). از این رو ضروری است کسانی که معماری را تحلیل می‌کنند، با افکار

روزگار خود آشنایی (کامل) داشته باشند؛ تا از این طریق بتوانند به بررسی راه‌های گذر از گذشته و بحران‌های آن بپردازند.

روش‌شناسی پژوهش

امروزه استفاده از بازنمایی معماری به عنوان یک مفهوم محوری در ساخت واقعیت، بسیار مرسوم است. بازنمایی معماری روش‌های خود را در نظم و معنا بخشیدن به مفاهیم دارد؛ لذا برای معناکاوای آن در متون معماری، می‌باید از مفاهیمی که درک بازنمایی را آسان‌تر می‌کنند، استفاده نمود (شجاعی و متین، ۱۳۹۸). حال آن‌که در بازنمایی‌های معماری، می‌بایست مسئله تحقیق توسط یک روش پژوهشی، قبض و بسط داده شود و نظام معنایی آن، ارزیابی و تفسیر گردد و در این راستا و با شناخت از تفاوت‌های اساسی میان انواع بازنمایی معماری، نقش‌های کلی برای مفاهیم، فرض شود. از این رو، در بخش تحلیلی تحقیق، با رویکردی تفسیری، جداول استقرایی از آمیختن بازنمایی‌های معماری بر پایه هدف اصلی پژوهش، شکل گرفته است. بدین ترتیب، تفاسیر به‌دست‌آمده، ظرفیت‌های بازنمایی معماری در دوره معاصر را - خصوصاً در حوزه معنایی انتزاعی - ارتقاء می‌دهند؛ تا در نتیجه این دستاورد، بتوان اظهار داشت مهم‌ترین دلالت‌های ذهنی در شکل‌گیری بازنمایی‌های عینی در معماری معاصر - به ویژه معماری معاصر ایران - از تقابل و ترتیب زمانی، مشابهت ظاهری و مجاورت مکانی، و هم‌چنین تأثیر از کدام متون مرتبط دیگر، می‌تواند مورد نظر قرار گیرد. اگرچه برخی، نظریه داده بنیاد را فرایندی صرفاً قیاسی توصیف کرده‌اند، لکن مطابق با نظر اشتراوس، همه نظریه‌های علمی، پیش از آن‌که نیازمند به تصویر درآمدن باشند (قیاس)، به دقت در تشریح و صورت‌بندی (استقراء) و در نهایت به درستی‌سنجی (کنترل) وابسته‌اند (کوربین و اشتراوس، ۱۴۰۰). لذا روش تحقیق پیش رو، به روش کیفی آمیخته، و با رهیافت نظریه‌پردازی داده بنیاد یا گراند‌تئوری انجام شده است؛ تا به وسیله آن و با بهره‌گیری از دسته‌ای از داده‌ها - یک نظریه مستقل - تکوین یابد. در این تحقیق، برای تجزیه و تحلیل داده‌ها از شیوه نظام‌مند یا سیستماتیک - که با تئوری اشتراوس و کوربین (۱۹۹۸) شناخته می‌شود - استفاده شده است؛ که بنا بر تقسیم‌بندی کوربین و اشتراوس (۱۴۰۰)، این شیوه دارای سه مرحله کدگذاری باز (مفاهیم)، کدگذاری محوری (شرایط علی، راهبردها، زمینه، شرایط مداخله‌گر و پیامدها) و کدگذاری انتخابی (گزینشی) است و این سه نوع کدگذاری، سطوح مختلفی از کدگذاری را نشان می‌دهند که هر یک به نکته متمایزی در بیان مقوله‌ها در نظریه‌پردازی داده‌بنیاد می‌پردازد (دانایی فرد و اسلامی، ۱۴۰۰). در واقع، در فرایند کدگذاری، پس از کدگذاری اولیه - که

نخستین گام در منطقی‌کردن و انتزاعی‌کردن داده‌های خام به شمار می‌رود - با تأکید بیش‌تر بر کدهای مشترک، از ترکیب کدهای اولیه، کدهای (متمرکز) جدیدی به دست می‌آید و نیازمند تصمیماتی است که کدام کدها تحلیلی‌ترین منطق را برای یک طبقه‌بندی جامع، فراهم خواهد کرد (Charmaz, 2021).

روش گردآوری اطلاعات

این پژوهش، از مطالعات کتابخانه‌ای (منابع اسنادی و استنادی) و روش میدانی (مشاهده، مصاحبه و پرسشنامه)، در گردآوری اطلاعات، استفاده کرده است. در این تحقیق، از نرم‌افزار تحقیقات کیفی MaxQDA نسخه ۲۰۲۰، در مراحل مختلف تحلیل، بهره‌گیری شده است. این نرم‌افزار، علاوه بر تسهیل فرایند کدنویسی، با ارائه خروجی‌های گرافیکی، فرایند تحلیل را نیز تسهیل می‌کند. توجه کنید علی‌رغم آن‌که نرم‌افزار به محقق کیفی در انجام وظایف خود کمک زیادی می‌کند، اما در واقع تحلیل را انجام نمی‌دهد و فرایند تحلیل و گزارش اطلاعات کیفی، به صورت دستی و توسط محقق، صورت می‌گیرد. از آن‌جا که مهم‌ترین ابزار گردآوری داده‌ها در تحقیقات کیفی، مصاحبه است و در این گفتگوی هدفمند، پژوهش‌گر تلاش می‌کند تا از طریق تعامل با مصاحبه‌شونده، اطلاعاتی درباره پدیده مورد نظر خود، به دست آورد (Flick, 2022). در گردآوری داده‌های این پژوهش نیز از روشی برای مصاحبه استفاده شده تا با راهبردها، اهداف، و سؤال‌های پژوهش، تناسب داشته باشد. داده‌های تحقیق، به روش مصاحبه‌های نیمه‌ساختاریافته - به عنوان یکی از معمول‌ترین انواع مصاحبه در تحقیقات کیفی، در قالبی مابین دو حد نهایی مصاحبه‌های ساختاریافته و بدون ساختار (Brinkmann, 2022) - با اساتید و متخصصین معماری - که هم به صورت آکادمیک و هم به صورت حرفه‌ای مشغول به فعالیت هستند - گردآوری شده است. پروتکل مصاحبه شامل سؤالات از پیش اندیشیده‌شده و تعیین‌شده است؛ که در آن، از تمامی پاسخ‌گوها سؤالات مشابهی پرسیده می‌شود؛ لیکن پاسخ‌دهندگان آزاد هستند که پاسخ خود را به هر طریق که مایل‌اند، ارائه نمایند. در این مورد، مسئولیت رمزگردانی پاسخ‌ها و طبقه‌بندی آن‌ها بر عهده پژوهش‌گر خواهد بود (Clark et al., 2021). پس از هر مصاحبه، با توجه به حجم بالای اطلاعات، نرم‌افزارهای تحلیل کیفی نقش به‌سزایی ایفا می‌کنند. نکته قابل توجه آن‌که ترتیب سؤالات در مصاحبه نیمه‌ساختاریافته، بنا بر مقتضیات مصاحبه، می‌تواند تغییر کند؛ تا از گسترش و تولید اطلاعات زائد، جلوگیری و مصاحبه حول محور پدیده اصلی، ادامه می‌یابد (لوینز و سیلور، ۱۳۹۹).

روایی و پایایی داده‌ها

(Mayring, 2021).

یافته‌های پژوهش

تأکید ویژه پژوهش، بر دیدگاه‌ها و آراء آن دسته از اساتید و متخصصین معماری است که هم به صورت آکادمیک و هم به صورت حرفه‌ای، مشغول به فعالیت‌اند. حال آن‌که در اولین برداشت از مجموع اطلاعات مصاحبه، مشاهده شد که دیدگاه‌های همه معماران برجسته و شاخص مقطع زمانی معاصر - که در مصاحبه مشارکت داشته‌اند - به شکل معناداری، در جریان معماری معاصر ایران، روزآمد نیست و تکیه اطلاعات و شناخت ایشان از معماری معاصر - صرفاً - به دوره فعالیت‌شان بازمی‌گردد. از این رو، به منظور تحلیل بهینه داده‌ها، تعدادی از مصاحبه‌ها از دایره تحلیل، حذف و فرایند مصاحبه در دو سطح اشباع نظری نسبی (در مفهوم اشباع هر یک از سؤالات، به تفکیک) و اشباع نظری مطلق (در مفهوم اشباع مجموع سؤالات)، مورد کفایت نظری قرار گرفت. در میان ۸ سؤال پرسشنامه مصاحبه، در مصاحبه ۱۷ ام، اشباع نسبی در بالاترین سطح اشباع، حاصل شد و به منظور اطمینان از داده‌های جمع‌آوری‌شده و دستیابی به اشباع مطلق، فرایند مصاحبه تا مصاحبه ۲۵ ام، ادامه یافت و جمع‌آوریداده‌ها، با ۲۵ مصاحبه به پایان رسید و بدین ترتیب - در نهایت - تعداد ۱۷ مصاحبه سطح کفایت نظری، مورد تحلیل کیفی قرار گرفت. یافته‌ها نشان می‌دهند که با توجه به سؤالات پرسشنامه - که هر یک، منحصراً عهده‌دار تضامن پاسخ‌گویی به تفسیر اهداف تحقیق در تحلیل هویت معماری معاصر ایران بر مبنای پست‌مدرنیته و اندیشه انتقادی می‌باشند - در فرایند کدگذاری ۱۷ مصاحبه انجام‌شده، از مجموع ۳۱۷ کد به‌دست‌آمده، تعداد ۵۳ مقوله در ۸ طبقه، با طبقه

پس از پایان مصاحبه‌ها و پیاده‌سازی گفتگوها و اشتراک‌گذاری متون و کدهای اولیه با هر یک از مشارکت‌کنندگان، شاخص اعتبار و قابلیت اطمینان، مورد ارزیابی قرار گرفته است. تأیید شاخص کیفیت پایایی تحقیق، به روش تعیین درصد توافق درون موضوعی، انجام شده است. میانگین قابلیت اطمینان میان محقق و مصاحبه‌شوندگان در ۱۷ مصاحبه مورد تحلیل، ۹۰.۳۷ درصد به دست آمد. هم‌چنین، قابلیت روایی حاصل از اعتبار داده‌ها نیز با همکاری محقق و دو همکار تحلیل‌گر کیفی (با درجه علمی دکتری مدیریت و آمار تحلیلی)، دو همکار پژوهشی هیئت علمی (با درجه دکتری معماری) و دو همکار پژوهشی نظریه‌پرداز داده‌بنیاد (با درجه علمی دانش‌آموخته مقطع دکتری در مرحله تدوین رساله با رهیافت نظریه‌پردازی داده‌بنیاد)، محاسبه گردیده است. میزان روایی مصاحبه‌های نهایی، میانگین ۷۸.۰۷۲۰ درصد را نشان داد. میانگین توافق ۹۰.۳۷ درصد، نشان از قابلیت اطمینان تقریباً کامل و میانگین ۷۸.۰۷۲۰ درصد سطح معیار کوهن و پوشش بیش از ۰.۶ ضریب کاپا، قابلیت اعتبار را ایده‌آل توصیف می‌نماید. لذا با توجه به آزمون‌های انجام‌شده، روایی و پایایی کیفی، مورد تأیید و نتایج به‌دست‌آمده، با بررسی معیارهای تطبیق، تعمیم، قابلیت فهم و کنترل، قابل ارزیابی و تفسیر می‌باشد. لازم به ذکر است که فرایند کدگذاری تا حصول توافق ۱۰۰ درصدی، به منظور حصول یک توافق کامل، مورد بازنگری و تصحیح واقع گردیده است. هم‌چنین، شاخص اعتبار و قابلیت اعتماد، بر پایه نقش‌گرایی نظام‌بنیاد هالیدی (۲۰۱۴)، و حجم نمونه بر اساس الگوی مایرینگ در انتخاب حداقل و حداکثر تعداد مصاحبه‌شوندگان پژوهش‌های کیفی، با استفاده از یک حجم نمونه ۵ تا ۲۵ آزمودنی، ارزیابی شد



شکل ۱. فرایند کدگذاری و طبقه‌بندی داده‌های کیفی
Figure 1. Coding and classification process of qualitative data

جدول ۱. نسبت سطح اشباع در پاسخ‌های مصاحبه‌شوندگان به تفکیک سؤالات مصاحبه و میزان فراوانی در کدگذاری
Table 1. The ratio of the level of saturation in the responses of the interviewees by interview questions and the frequency of coding

Interview	Frequency	Segments	Questions	Codes & Memos	Saturation
P01	398	111	1	Identity Dialectic	13th
P02	423	116			
P03	371	104	2	Event Architecture	13th
P04	323	68			
P05	773	76	3	Criticism & Questioning	13th
P06	344	72			
P07	398	63	4	!Form, follows Event	14th
P08	347	67			
P09	228	58	5	Globalization	13th
P10	348	75			
P11	346	77	6	Chronology	14th
P12	249	69			
P13	349	73	7	Philosophy & Education	17th
P14	324	71			
P15	387	75	8	Sense of Plurality	15th
P16	366	73			
P17	391	89	8	8	17th
17	5969	1337			



شکل ۲. کفایت نظری سؤالات مصاحبه به تفکیک هر پرسش
Figure 2. Theoretical adequacy of interview questions by each question

ایجاد پوشه‌های فرعی و تخصیص متغیرها به اسناد در کدگذاری فایل‌های مصاحبه، نرم‌افزار MaxQDA - به عنوان رایج‌ترین و شناخته‌شده‌ترین نرم‌افزار تحلیل پژوهش‌های کیفی - آماده ارائه مدل‌های مختلف و متنوع داده بنیاد می‌باشد. شاخص‌ترین این مدل‌ها، مدل نمودار درختی با محوریت کدهای انتخابی کدگذاری شده است. نمودار درختی، معادل بصری روابط میان مفاهیم است؛ که با یک محور مرکزی آغاز می‌شود و این محور، در واقع همان

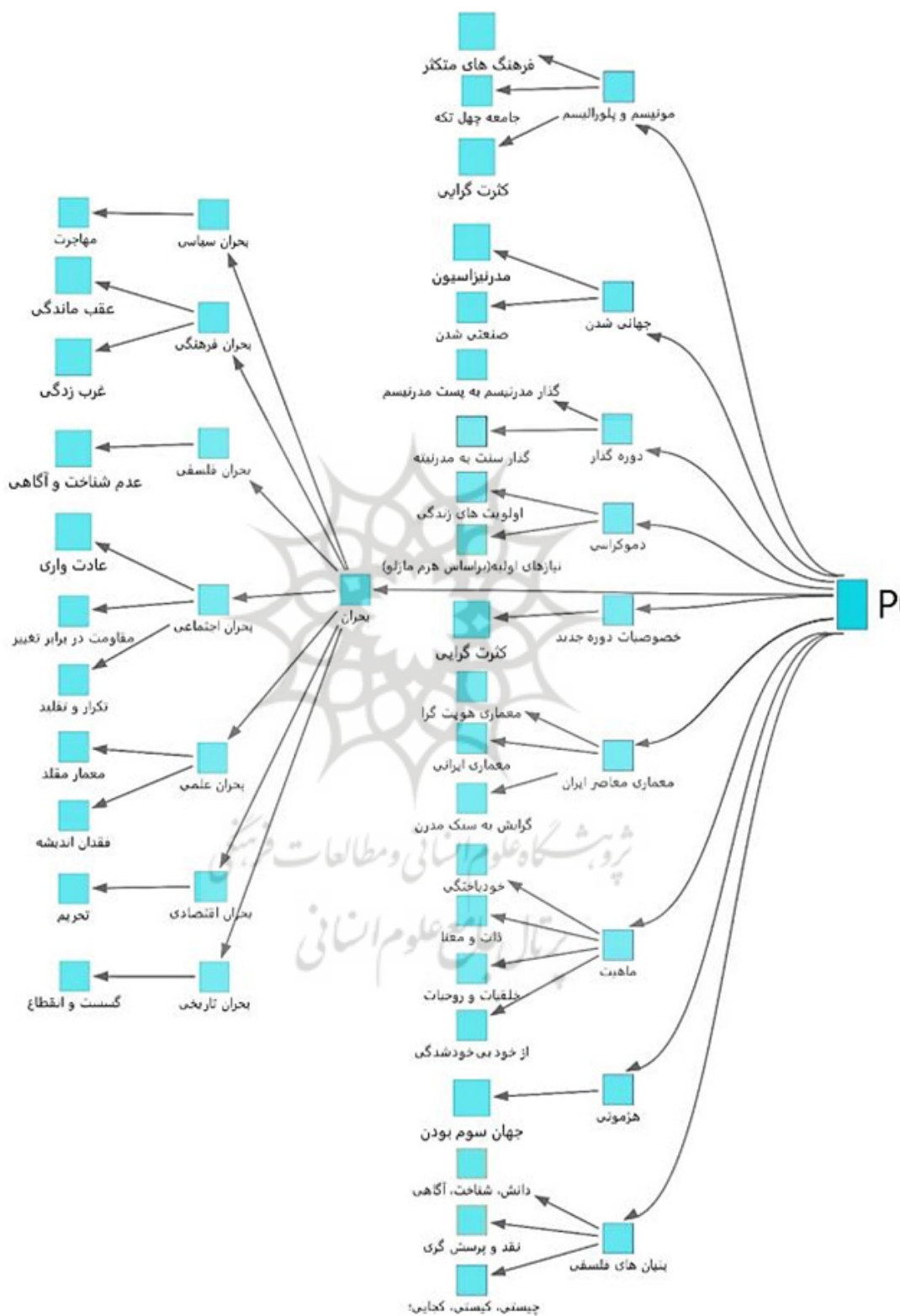
محوری هویت معماری معاصر ایران، مرتبط شده است. شکل ۱ به بیان بصری این موضوع می‌پردازد. هم‌چنین جدول ۱ و شکل ۲، سطوح اشباع نظری سؤالات مصاحبه در پاسخ‌های مصاحبه‌شوندگان و میزان فراوانی کدگذاری به تفکیک هر مصاحبه را نمایش می‌دهد. لازم به ذکر است که در تفکیک ستون‌های این جدول، از اصطلاحات به‌کاررفته در نرم‌افزار MaxQDA نسخه ۲۰۲۰، استفاده شده است. پس از انجام چهار گام اساسی - فراخوانی داده‌ها، گروه‌بندی اطلاعات،

و نمایش شماتیک بصری کدهای مستخرج از یک مصاحبه، نمایش داده است. در ادامه، با توجه به اهمیت متغیرهای میانجی در اتخاذ تدابیر و راهبردهای تئوری داده‌بنیاد و ارائه راهکارهای مطلوب بر مبنای چالش‌های موجود، و بر اساس کدهای نهایی استخراج‌شده از مجموع ۱۷ مصاحبه، مدل تطبیقی متغیرهای میانجی پژوهش - شامل متغیرهای تعدیل‌کننده، کنترل و مداخله‌گر - در شکل ۴، ارائه و مدل پارادایمی هویت در معماری معاصر ایران در شکل ۵، در قالب عمومی و کلی تفسیر گردیده است. هم‌چنین، جدول ۳، به بیان نسبت عناصر مدل پارادایمی تحقیق با ادبیات پژوهش، پرداخته است.

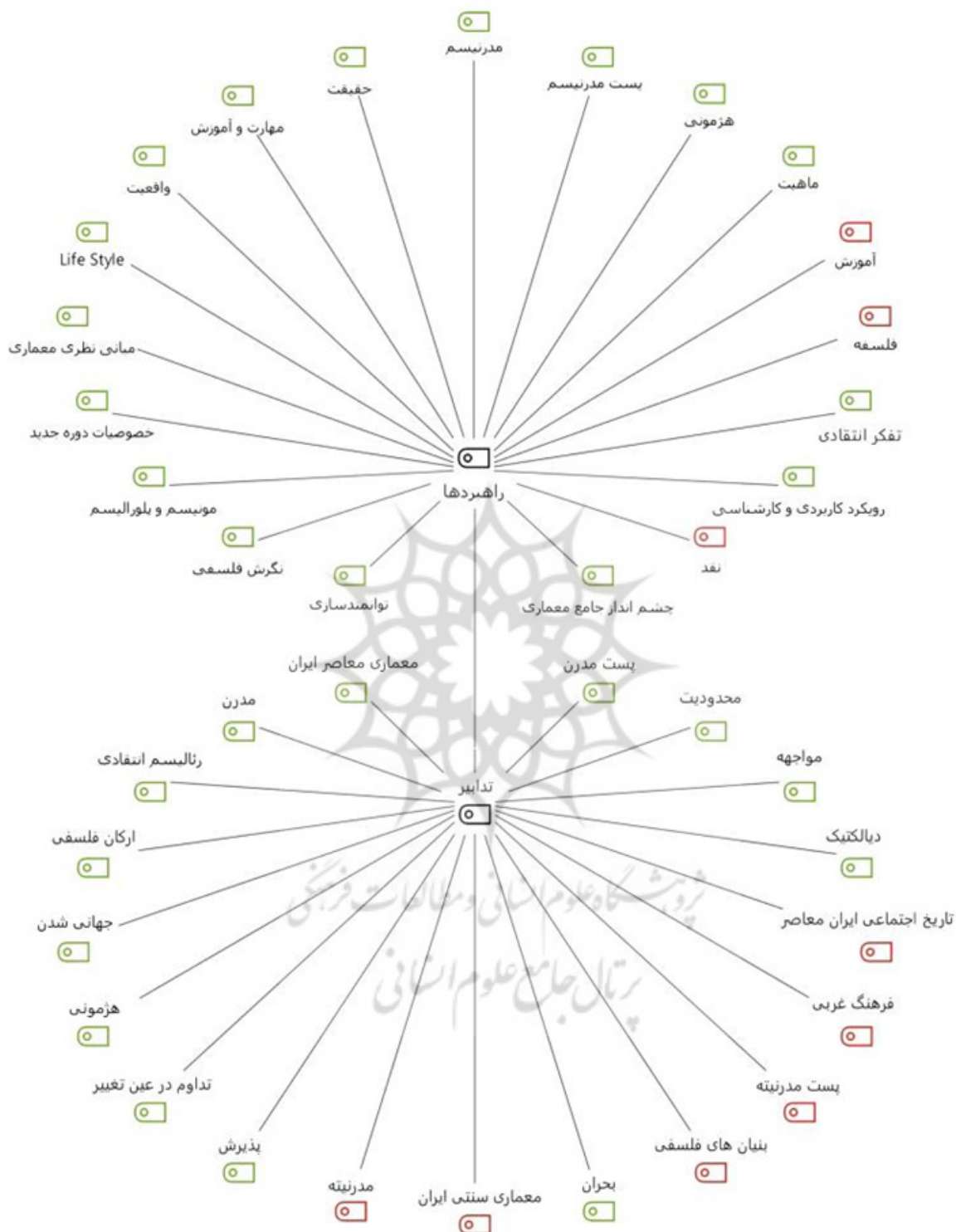
مسئله‌ای است که باید حل شود و یا ایده‌ای است که مورد تحلیل و بررسی قرار می‌گیرد. از نمودار درختی می‌توان برای اتخاذ تدابیر یا تعیین پیامدها و راهبردها و یا تأثیرات فرعی دسته‌بندی‌ها یا رویدادها و رسیدن به سطوح پایین‌تری از جزئیات، استفاده کرد. این امر کمک می‌کند تا بتوان با دقت در پیچیدگی‌های جزئی مسئله، راه‌حل‌های موجود و مسیر تصمیم‌گیری را به یک تصویر بزرگ و جامع، تغییر داد. جدول ۲، عناصر سازنده هویت در معماری معاصر ایران را از دیدگاه مصاحبه‌شوندگان و شکل ۳، نمودار درختی کدهای انتخابی مستخرج از تحلیل داده‌بنیاد نمونه‌مصاحبه (P01) را به منظور معرفی

جدول ۲. عناصر سازنده هویت در معماری از دیدگاه مشارکت‌کنندگان پژوهش
Table 2. Identity building elements in architecture from the perspective of research participants

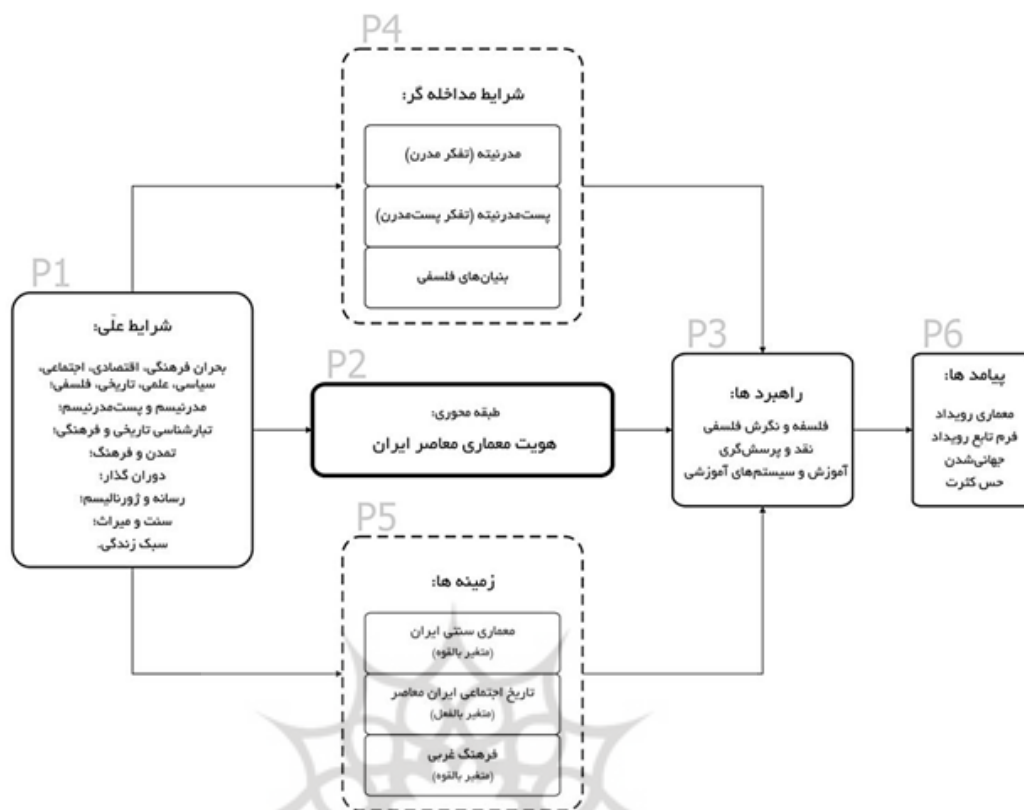
لامکانی و بیزمانی	چیستی، کیستی، کجایی	چگونگی بودن و چگونگی‌بودن	تداوم در بودن و نحوه بودن	فرار از امر مشترک	توصیف شخصیت و تشخیص و نشانه‌های	ویژگی‌های جغرافیایی، تاریخی و فرهنگی	جهانبینی	جوهره و اصالت و اینهمانی	ماهیت شناخت و عامل شناسا	اشتراکات و افتراقات	تشابه و تفاوت	تفکیک و تمایز	
	*	*	*			*					*	*	P01
*	*	*	*			*		*	*	*	*	*	P02
*		*	*			*	*	*	*	*	*	*	P03
		*	*			*	*	*	*	*	*	*	P04
*	*	*	*			*	*	*	*	*	*	*	P05
				*		*	*	*	*	*	*	*	P06
		*	*			*	*	*	*	*	*	*	P07
	*	*	*			*	*	*	*	*	*	*	P08
			*			*	*	*	*	*	*	*	P09
		*	*		*	*	*	*	*	*	*	*	P10
*	*	*	*			*	*	*	*	*	*	*	P11
		*	*		*	*	*	*	*	*	*	*	P12
*		*	*		*	*	*	*	*	*	*	*	P13
		*	*		*	*	*	*	*	*	*	*	P14
*			*		*	*	*	*	*	*	*	*	P15
*		*	*		*	*	*	*	*	*	*	*	P16



شکل ۳. نمودار درختی کدهای نمونه مصاحبه ۰۱
Figure 3. Tree diagram of sample codes-interview P01



شکل ۴. مدل تطبیقی پیامد مواجهه تدابیر و راهبردهای تئوری دیالکتیک هویت معماری معاصر ایران
 Figure 4. Comparative model of the encountering measures and strategies consequence of the Iran contemporary architectural identity dialectic theory



شکل ۵. مدل پارادایمی دیالکتیک هویت در معماری معاصر ایران
Figure 5. Paradigmatic model of the Iran contemporary architectural identity dialectic theory

معاصر ایران است.

(P5): بازساخت مفاهیم و مضامین معماری گذشته ایران و تعریف استفاده بهینه از فرهنگ و تکنولوژی غربی، و بازآموزی مؤلفه‌های تأثیرگذار تاریخی اجتماعی و سیاسی مقطع معاصر، مقدمه دستیابی به موفقیت در معماری معاصر ایران است.

(P6): نتیجه کاربست مجموعه مؤلفه‌های مؤثر بر گفتمان هویتی در معماری معاصر ایران، بازنمایی ذهنی (معماری رویداد) و بازنمایی عینی هویت معماری معاصر ایران (فرم تابع رویداد)، دستیابی به مسیر جهانی‌شدن معماری ایرانی در فرهنگ جهانی و ایجاد یکپارچگی و وحدت در عین کثرت فرهنگ‌های متکثر خواهد بود.

بمث

جهان هر کس، جهان اوست. هر کس همواره و به نحو اجتناب‌ناپذیری بر اساس مجموعه کثیری از ارزش‌ها، باورها، مفروضات پیشین، مواضع و جهت‌گیری‌ها، با پدیدارها مواجه می‌شود و پدیداری به

(P1): جریان مدرنیسم در بستر حاکم پست‌مدرنیسم، وضعیت موجود را با ایجاد بحران‌های فرهنگی، اقتصادی، اجتماعی، سیاسی، علمی، تاریخی، فلسفی، به چالش کشیده و به سبک زندگی قالب دوره معاصر مبدل شده است. در این میان، مدیا و رسانه می‌تواند نقش مهمی در معرفی این هنجار نوین و حفظ ارزش‌های تمدن و فرهنگ ایرانی و سنت و میراث سرزمینی، در نقطه عطف این دوران گذار، ایفا نمایند.

(P2): ریشه بسیاری از ناکامی‌ها در فهم شرایط موجود معماری، در توانایی شناخت گفتمان تاریخی میان هویت‌های پیشین و هویت معاصر نهفته است.

(P3): کسب مهارت نقد و پرسش‌گری به مثابه اندیشه انتقادی، شناخت و نگرش فلسفی و اصلاح آموزش و شیوه‌های آموزشی می‌تواند به تحول در معماری معاصر ایران بیانجامد.

(P4): تفکر مدرن (مدرنیته)، تفکر پست‌مدرن (پست‌مدرنیته) و شناخت و آگاهی از بنیان‌های فلسفی، لازمه موفقیت در معماری

جدول ۳. نسبت عناصر مدل پارادایمی و ادبیات پژوهش
Table 3. The ratio of paradigmatic model elements and research literature

ادبیات و پیشینه موضوع	مدل پارادایمی هویت در معماری معاصر ایران
<p>آنتادیوپ (۱۳۶۱)؛ ادیب (۱۳۷۹، ۱۳۸۰)؛ اسمیت (۱۳۵۷)؛ بهنام و جهاننگلو (۱۳۸۲)؛ جیمسون (۱۳۷۹)؛ حبیبی (۱۳۸۵)؛ دالزوتو و لوگمایر (۱۳۹۷)؛ رابرتسون (۱۳۹۸)؛ رهبری (۱۳۸۱، ۱۳۸۵)؛ کاتز (۱۳۹۷)؛ گرین و تروپ (۱۴۰۰)؛ گیرتز (۱۳۹۹)؛ گیدنز (۱۳۹۸)؛ لئندولم (۱۳۹۷)؛ ملکیان (۱۳۸۸)؛ میرباباپور و ساجدی (۱۳۹۲)؛ ناری قمی (۱۳۹۵)؛ قاسمی سیپانی (۱۳۸۲، ۱۳۸۳)؛ ویویورکا (۱۳۷۸)؛ هارپر (۱۳۹۴)؛ هارکوپ (۱۳۹۳)؛ همسرلی (۱۴۰۰)؛ یارشاطر (۲۰۱۶)؛</p>	<p>شرایط علی:</p> <ul style="list-style-type: none"> بحران فرهنگی، اقتصادی، اجتماعی، سیاسی، علمی، تاریخی، فلسفی؛ مدرنیسم و پست مدرنیسم تبارشناسی تاریخی و فرهنگی تمدن و فرهنگ دوران گذار رسانه و ژورنالیسم سنت و میراث سبک زندگی
<p>ادبیات و پیشینه موضوع</p>	<p>مدل پارادایمی هویت در معماری معاصر ایران</p>
<p>آدورنو و هورکهایمر (۱۳۹۵)؛ آشنا و روحانی (۱۳۸۹)؛ احمدی (۱۳۹۳)؛ پاکزاد (۱۳۹۰)؛ پالم (۱۳۹۳)؛ حجت (۱۳۸۴، ۱۳۹۳)؛ سلطانزاده (۱۳۹۶)؛ سروش (۱۳۹۲)؛ شایگان (۱۳۹۶)؛ شریعتی (۱۳۹۴)؛ علیخانی (۱۳۸۳، ۱۳۸۴)؛ کورئا (۱۳۸۷)؛ گادامر (۱۳۹۸)؛ مصلحتجو (۱۴۰۰)؛ مهدویزاد و همکاران (۱۳۸۹)؛</p>	<p>طبقه محوری:</p> <ul style="list-style-type: none"> هویت در معماری معاصر ایران
<p>آبراهامیان (۱۳۸۴، ۱۳۹۰)؛ آبروشن (۱۳۹۲)؛ اشرف (۱۳۵۹، ۱۳۷۱، ۱۳۷۲، ۱۳۷۳، ۱۳۸۷، ۱۳۹۵)؛ جهاننگلو (۱۳۸۵، ۱۳۸۶)؛ خاتمی (۱۳۸۰، ۱۳۹۳)؛ رجایی (۱۳۹۵)؛ رضاقلی (۱۳۷۷)؛ رهبری (۱۳۸۶)؛ طبری (۱۳۵۴)؛ کسرائی (۱۳۸۴)؛ گیدنز (۱۳۹۷)؛ میرسیاسی (۱۳۹۸)؛ نفیسی (۱۳۹۰)؛ نقییزاده (۱۳۷۹)؛ ورجاوند (۱۳۸۶)؛ هنرمند (۱۳۴۷)؛ یارشاطر (۱۳۷۳)؛</p>	<p>زمینه‌ها:</p> <ul style="list-style-type: none"> معماری سنتی ایران تاریخ اجتماعی ایران معاصر فرهنگ غربی
<p>احمدی (۱۳۹۴)؛ انصاری (۱۳۹۵)؛ بانیمسعود (۱۳۸۴، ۱۳۸۹، ۱۳۹۴، ۱۳۹۵، ۱۳۹۹)؛ باور (۱۳۸۸)؛ بنه ولو (۱۳۵۳)؛ بلوگولوفسکی (۱۴۰۰)؛ جهاننگلو (۱۳۸۵)؛ دامیار و ناری قمی (۱۳۹۱)؛ حقدار (۱۳۸۰، ۱۳۹۵)؛ حقیر و کاملنیا (۱۳۹۴، ۱۳۹۹)؛ دلوز (۱۳۹۸)؛ کهون (۱۳۹۶)؛ ریکور (۱۳۹۷)؛ زیباکلام (۱۳۹۳)؛ عبدالکریمی (۱۳۹۵، ۱۳۹۶)؛ نوذری (۱۳۸۹)؛</p>	<p>شرایط مداخله‌گر:</p> <ul style="list-style-type: none"> مدرنیته پست مدرنیته بنیان‌های فلسفی
<p>Habermas, (1992);</p>	
<p>اتو (۱۳۹۴)؛ اریک برونر (۱۳۹۳)؛ افشارنادری (۱۳۷۷، ۱۳۸۰)؛ باتومور (۱۳۹۸)؛ براون و کیلی (۱۳۹۹)؛ بنیامین و همکاران (۱۳۹۵)؛ پوپ و اکرم (۱۳۸۵)؛ پیرنیا (۱۳۷۰)؛ پاکباز (۱۳۹۵)؛ تامپسون (۱۳۹۷)؛ ثبات ثانی (۱۳۹۶)؛ ریچارد و الدر (۱۴۰۰)؛ خوبی (۱۳۷۹، ۱۳۸۱، ۱۳۸۲، ۱۳۸۳، ۱۳۸۶)؛ داناییفرد (۱۳۸۳، ۱۳۸۸، ۱۳۹۸)؛ داناییفرد و همکاران (۱۳۸۳)؛ دیباج و سلطانزاده (۱۳۹۲)؛ دوران (۱۳۸۴)؛ رجبی (۱۳۵۵)؛ رئیسی (۱۳۹۲)؛ شایان و معمار دزفولی (۱۳۹۳)؛ عبدالکریمی (۱۳۷۱، ۱۳۷۲، ۱۳۸۳، ۱۳۸۵، ۱۳۸۸)؛ قبادیان (۱۳۹۲، ۱۴۰۱)؛ کلنر (۱۳۹۴)؛ کیانی (۱۳۸۳)؛ گذار (۱۳۵۸)؛ مختاری طالقانی (۱۳۹۰)؛ معینی علمداری (۱۳۸۸)؛</p>	<p>راهبردها:</p> <ul style="list-style-type: none"> فلسفه و نگرش فلسفی نقد و پرسشگری آموزش و سیستم‌های آموزشی
<p>آیزمن و ایتوربه (۱۳۹۹)؛ ابل (۱۳۸۷)؛ احمدی (۱۳۸۱)؛ اردلان و بختیار (۱۳۸۰)؛ برادبنت (۱۳۷۵)؛ برمن (۱۳۹۲)؛ بمانیان و همکاران (۱۳۸۹)؛ جنکس (۱۳۹۷)؛ چومی (۱۳۹۹)؛ لیبسکیند (۱۴۰۰)؛ دیبا (۱۳۸۷، ۲۰۱۸)؛ رهبری (۱۳۸۰)؛ روحی (۱۳۹۹)؛ قبادیان (۱۳۹۵)؛ نوربرگ شولتز (۱۳۷۲)؛ ونتوری (۱۳۸۹)؛ هایبن (۱۴۰۰)؛</p>	<p>پیامدها:</p> <ul style="list-style-type: none"> معماری رویداد فرم تابع رویداد جهانی‌شدن حس کثرت
<p>Hassan (1993); Jencks (1973, 1977, 1987, 1991, 1995, 1996, 2005, 2007, 2012); Jencks & Kropf (1997); Jencks & Silver, (2013);</p>	

و موضوع دیگری، یک بحث نظری محض باشد. بلکه هم طرح پرسش و هم معنای پرسش و هم پاسخ بدان، بستگی به این دارد که ما چه نسبتی با شرایط، موقعیت و جهان پیرامونی خویش داریم. به

نام پست‌مدرنیسم نیز از این اصل انسان‌شناختی، معرفت‌شناختی و هرمنوتیکی جدا نیست. بنابراین، چنین نیست که بحث از پست‌مدرنیسم در ایران و پرسش و پاسخ پیرامون آن، مثل هر بحث

میان ایرانی بودن یا ایرانی ماندن، تکوین یافته و در گفتمانی تاریخی - میان بازخوانی از آن چه هست (بود، نمود، باز نمود) و بازنمایی از آن چه که باید باشد (نهاد، خود، فراخود) - به صورت سلبی (و نه ایجابی)، در حال شدن است؛ حال، به شکل تغییر و تحول در تکوین فضا (از طریق تکنولوژی و عملکرد)؛ و یا به شکل تضادهای پویا و پیچیدگی های انتزاعی ساختار (از طریق روابط برنامه محور و کاربردی).

این پژوهش، با هدف کلی تحلیل و تأویل هویت معماری معاصر ایران بر مبنای پست مدرنیته و اندیشه انتقادی، و به دنبال پاسخ این پرسش که هویت چگونه می تواند به مثابه رویکردی انتقادی بر بازشناسی معماری پست مدرن به ویژه در دوره معاصر ایران تأثیر داشته باشد؟، بر آن بوده است تا در گفتمانی تاریخی، حقیقت و ماهیت معماری معاصر ایران را توصیف نماید و در کنار ابهام و سردرگمی حاصل از این واژگان، ناهمگونی آشوب برانگیزی را تفسیر کند که در پس اندیشه ها و این معانی پرمدها و تا حدی متناقض، توضیحی پیرامون منطق و دلیل کاربرد فراگیر مجموعه ای از سنت های قریب الوقوع به جامانده از باورها و شیوه های برخاسته از فرهنگ را تعیین می نماید؛ حال آن که خود - نامعین است.

نتیجه گیری

این پژوهش، با هدف کلی تحلیل و تأویل هویت معماری معاصر ایران بر مبنای پست مدرنیته و اندیشه انتقادی، به روش کیفی آمیخته، انجام و با بهره گیری از رهیافت نظریه داده بنیاد، واکاوی و در نهایت، منجر به تولید و ارائه تئوری دیالکتیک هویت در معماری معاصر ایران گردید؛ داده های پژوهش در قالب ۱۷ مصاحبه نیمه ساختار یافته، طبقه بندی و محتوای پاسخ ها، با استفاده از نرم افزار تحلیل کیفی MaxQDA نسخه ۲۰۲۰، مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت. به منظور استخراج مقوله های اصلی و فرعی، از پرسشنامه ای بر پایه اهداف پژوهش، استفاده شد. محتوای فایل های مصاحبه، در سه مرحله کدگذاری (باز، محوری و انتخابی)، استخراج و پس از پالایش، با یکدیگر ادغام و در نهایت، در طبقه بندی های معنادار، دسته بندی گردید. مراحل کدگذاری، در قالب جداول نظام یافته، گزارش و مقدار فراوانی متناظر با هر یک از کدها، ارزیابی، محاسبه و ارائه شد. بررسی شاخص های به دست آمده حاکی از آن است که آزمون روایی و پایایی، مورد تأیید است. لذا، با تکیه بر یافته ها و نتایج حاصل، به نظر می رسد جریان مدرنیسم در بستر حاکم پست مدرنیسم، وضعیت موجود را با ایجاد بحران های فرهنگی (غربزدگی، عقب ماندگی، از خود بیگانگی و تکنوپولی)، اقتصادی (تحریم)، اجتماعی (هرج و مرج، آشفتگی، تکرار و تقلید، مقاومت در برابر تقلید و عادت واری)، سیاسی (انقلاب و تخریب، سرکوب،

بیان ساده تر، بسته به نسبتی که انسان با عالم غرب، عصر روشنگری، مدرنیته، سنت، تفکر دینی، جهان بینی و ارزش های معنوی این عصر دارد، و این که از چه موضع و مفروضات فرهنگی، سیاسی، ایدئولوژیک یا پروژه اجتماعی برخوردار است، نحوه مواجهه با پرسش مذکور و پاسخ بدان متفاوت خواهد بود (عبدالکریمی، ۱۳۹۸). پست مدرنیسم، وجه غالب باور فرهنگی زمانه ای است که تمامی فعالیت های هنری و فکری را - دوباره - قالب ریزی می کند و حاوی انگاره های متمایزی از تجربه و شرایط در عمیق ترین سطوح یا تمامی آن چیزی است که می توان درباره جهان معاصر دانست (Jameson, 2016). تا آن جا که قدرت متمرکز، جای خود را به کثرت گسسته داده است (Jencks, 1996).

یافته ها نشان می دهند پیامد جمع بندی متغیرهای علی پژوهش در شرایط میانجی وضعیت موجود، رویدادی را رقم می زند؛ که حقیقت، ماهیت و واقعیت معماری معاصر ایران را بیان می نماید؛ که بر گستره معماری پست مدرن ایرانی و آینده آن می نگرد و با ورود به معماری پست مدرن و جایگاه پست مدرنیسم در معماری معاصر ایران، از آن عبور می کند و در این مسیر، نحوه مواجهه معماری ایران معاصر را با معماری جهانی، به چالش می کشد؛ و با طرح مواضع پست مدرنیسم، سرنوشت خرد عصر جدید را در تداومی در عین تغییر معین می سازد. لذا در این راستا سعی می کند تا از گذشته خود برخیزد، به حال معاصر برسد و به آینده دست یابد.

تلاش این پژوهش بر آن بوده است تا با بازنمایی رئالیستی از خوانش انتقادی پست مدرنیسم در معماری، موقعیتی را رقم زند که ماهیت معماری معاصر ایران را توصیف نماید و در گفتمانی میان طیف های گسترده از شبکه های معنایی و ساختارهای فرهنگی از یک واقعیت جهانی، حقیقت باورهای ذهنی را مورد ارزیابی قرار داده و در چرخه ای استقرایی میان نقد پوزیتیویستی و تفسیری، به شأن مستقلی دست یابد که ثابت نیست؛ و هر آن، ممکن است - از طریق بازسازی وضعیت های آستانه ای - به گذرگاهی موقتی میان وضعیت های آلترناتیو، تغییر کند! و در تجلی تکامل (عینی و انتزاعی) از یک رویداد برنامه محور و کاربردی، نتیجه می گیرد که معماری معاصر ایران، بازنمایی از همان عملکردی است که با رویکردی واقع گرایانه و انتقادی، به هدایت این تحول بنیادین پرداخته است و در بحرانی خودانعکاسی از تغییرات مداوم وضعیت های آستانه ای و در تضامن پاسخ گویی به عملکرد هنجاری نوین به مثابه رئالیسم انتقادی، بر پیچیدگی موسمی آن وضعیتی تأکید می ورزد که ناگزیر از وقوع یک رویداد است! رویدادی که با مروری واقع بینانه در نگرشی بنیادی میان حقیقت (خودشیفتگی تا خودباختگی) و ماهیت (خودباوری) در تقابل

موقتی میان وضعیت‌های آلترناتیو، تغییر یابد و در تضامن پاسخ‌گویی به عملکرد هنجاری نوین به مثابه رئالیسم انتقادی، بر پیچیدگی موسمی آن وضعیتی تأکید می‌ورزد که ناگزیر از وقوع یک رویداد نوین است!

۱- نقش نویسندگان

بررسی و گردآوری ادبیات، جمع‌آوری اطلاعات، انجام مصاحبه، آزمون‌ها، تجزیه و تحلیل و تفسیر داده‌ها، تهیه متن و ویرایش دست‌نوشته، توسط امیرداود مصلحت‌جو انجام شده است. مریم قاسمی سیچانی با بررسی ادبیات و نتایج، وحید قبادیان با تدقیق ادبیات معماری و بیژن عبدالکریمی با تدقیق ادبیات فلسفی تحقیق، در انجام پژوهش یاری نمودند.

۲- تقدیر و تشکر

با تشکر از همه افرادی که در مشاوره علمی این مقاله نویسندگان را یاری نموده‌اند؛ این مقاله برگرفته از رساله دکتری امیرداود مصلحت‌جو با عنوان «تحلیل دیالکتیک هویت معماری معاصر ایران با تأکید بر خوانش انتقادی پست‌مدرنیسم»، با راهنمایی دکتر مریم قاسمی سیچانی و مشاوره دکتر وحید قبادیان و دکتر بیژن عبدالکریمی، در دانشگاه آزاد اسلامی واحد شهرکرد، انجام پذیرفته است.

۳- تعارض منافع نویسندگان

نویسندگان به طور کامل از اخلاق نشر تبعیت کرده و از هرگونه سرقت ادبی، سوء رفتار، جعل داده‌ها و یا ارسال و انتشار دوگانه، پرهیز نموده‌اند و منافعی تجاری در این راستا وجود ندارد و نویسندگان در قبال ارائه اثر خود وجهی دریافت ننموده‌اند.

۴- فهرست مراجع

۱. آبراهامیان، پرواند. (۱۳۸۴). *ایران بین دو انقلاب*. (احمد گل محمدی و محمدابراهیم فتاحی ولیلایی، مترجمان). چاپ یازدهم. تهران: نشر نی. (نشر اثر اصلی ۱۹۸۲).
۲. آبراهامیان، ارواند. (۱۳۹۰). *تاریخ ایران مدرن*. (شهریار خواجهان، مترجم). تهران: نشر دات. (نشر اثر اصلی ۲۰۰۸).
۳. آب‌روشن، مسعود. (۱۳۹۳). *آسیب‌شناسی مدرنیسم‌اسیون در ایران*. مجموعه مقالات سومین کنفرانس الگوی اسلامی پیشرفت و اکاوی مفاهیم و نظریه‌های رایج توسعه و تجارب ایران و جهان: به سوی نظریه اسلامی ایرانی پیشرفت. جلد چهارم. تهران: الگوی پیشرفت.
۴. آدورنو، تئودور؛ و هورکهایمر، ماکس. (۱۳۹۵). *دیالکتیک*

مهاجرت)، علمی (فقدان تولید علم و نظریه‌پردازی، معمار مقلد در جایگاه معمار مؤلف)، تاریخی (عدم صورت‌بندی تاریخی، گسست و انقطاع، غفلت از وجود، جدایی از تاریخ، انحطاط)، فلسفی (نفی کلیت، عدم شناخت و آگاهی، فقدان اندیشه و تفکر، لفاظی)، به چالش کشیده و به سبک زندگی قالب دوره معاصر مبدل شده است. در این میان، مدیا و رسانه می‌تواند نقش مهمی در معرفی این هنجار نوین و حفظ ارزش‌های تمدن و فرهنگ ایرانی و سنت و میراث سرزمینی، در نقطه عطف این دوران گذار (گذر از مدرنیسم به پست‌مدرنیسم)، ایفا نمایند (P1). چراکه به نظر می‌رسد ریشه بسیاری از ناکامی‌ها در فهم شرایط موجود معماری، در توانایی شناخت گفتمان تاریخی میان هویت‌های پیشین و هویت معاصر نهفته است (P2). حال آن‌که کسب مهارت نقد و پرسش‌گری به مثابه اندیشه انتقادی، شناخت و نگرش فلسفی و اصلاح آموزش و شیوه‌های آموزشی می‌تواند به تحول در معماری معاصر ایران بیانجامد (P3). از این رو، تفکر مدرن (مدرنیته)، تفکر پست‌مدرن (پست‌مدرنیته) و شناخت و آگاهی از بنیان‌های فلسفی، لازمه موفقیت در معماری معاصر ایران است (P4). البته توجه به این نکته حائز اهمیت است که تحقق این امور، بدون بازشناسی مفاهیم و مضامین معماری گذشته ایران و تعریف معیار استفاده بهینه از فرهنگ و تکنولوژی غربی، و بازآموزی مؤلفه‌های تأثیرگذار تاریخی، اجتماعی و سیاسی مقطع معاصر، میسر نخواهد بود (P5). بنابراین ضروری است تا از این طریق، مسیر رسیدن به گفتمان تاریخی هویت در معماری معاصر ایران را هموار سازیم (P6).

مانیفست دیالکتیک هویت در معماری معاصر ایران

هویت معاصر ما یک واقعیت جهانی است؛ که در دیالکتیک میان حقیقت (خودشیفتگی تا خودباختگی) و ماهیت (خودباوری) ایرانی ما، تکوین یافته و در گفتمانی تاریخی - میان بازنمایی از آن چه هست (بود، نمود، بازنمود) و بازآفرینی از آن چه که باید باشد (نهاد، خود، فراخود) - به صورت سلبی (و نه ایجابی)، در حال شدن است. از این رو، هویت معماری معاصر، دیالکتیک میان حقیقت و ماهیت ما است؛ در یک واقعیت جهانی! بدین ترتیب، پیامد متغیرهای علی در شرایط میانجی وضعیت موجود، وقوع رویدادی را رقم می‌زند؛ که حقیقت، ماهیت و واقعیت معماری معاصر ایران را توصیف می‌نماید. لذا هویت، حاصل دیالکتیک خود و دیگری است؛ که در نگرشی بنیادی میان طیفی از شبکه‌های معنایی و ساختارهای فرهنگی، باورهای ذهنی را مورد انتقاد و ارزیابی قرار داده و در چرخه‌ای میان نقد پوزیتیویستی و تفسیری، به شأن مستقلی دست می‌یابد؛ که ثابت نیست و هر آن ممکن است از طریق بازسازی وضعیت‌های آستانه‌ای، به گذرگاهی

- روشنگری. (مراد فرهادپور و امید مهرگان، مترجمان). چاپ چهارم. تهران: نشر هرمس. (نشر اثر اصلی ۱۹۷۲).
۵. آشنا، حسام‌الدین و روحانی، محمدرضا. (۱۳۸۹). هویت فرهنگی ایرانیان از رویکردهای نظری تا مؤلفه‌های بنیادی. *تحقیقات فرهنگی*. ۳(۱۲)، ۱۸۴-۱۵۷.
۶. آنتادیوپ، شیخ. (۱۳۶۱). هویت فرهنگی؛ اجزاء تشکیل دهنده فرهنگ. پیام یونسکو. ۹(۱۴۹)، ۷۴.
۷. آیزمن، پتر؛ و ایتوربه، الیسا. (۱۳۹۹). تأخر. (حسام عشقی صنعتی و مرتضی نیک‌فطرت، مترجمان). تهران: فکر نو. (نشر اثر اصلی ۲۰۲۰).
۸. آشوری کفشگر، رضا. (۱۳۹۶). *چالش سنت و مدرنیته در معماری معاصر ایران (مطالعه انتقادی معماری نو تاریخ‌گرایی دوره پهلوی دوم)*. پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشکده هنر و معماری دانشگاه تربیت مدرس، تهران.
۹. ابل، کریس. (۱۳۸۷). *معماری و هویت*. (فرح حبیب، مترجم). تهران: دانشگاه آزاد اسلامی، واحد علوم و تحقیقات. (نشر اثر اصلی ۲۰۱۲).
۱۰. اتو، وین. (۱۳۹۴). *معماری و اندیشه نقدانه*. (امینه انجم‌شعاع، مترجم). چاپ سوم. تهران: مؤسسه تألیف، ترجمه و نشر آثار هنری متن، فرهنگستان هنر. (نشر اثر اصلی ۱۹۷۸).
۱۱. احمدی، بابک. (۱۳۹۴). *مدرنیته و اندیشه انتقادی*. چاپ یازدهم. تهران: نشر مرکز.
۱۲. احمدی، حمید (۱۳۸۱). جهانی شدن؛ هویت قومی یا هویت ملی؟. *مطالعات ملی*. ۱۱(۳)، ۲۶۱-۳.
۱۳. احمدی، فرهاد. (۱۳۹۳). در نسبت هویت و محیط. *معماری و فرهنگ*. ۱۵(۵۳)، ۴۳-۳۷.
۱۴. ادیب، محمدحسین. (۱۳۷۹). *بحران‌های اقتصاد ایران و راهکارهای برون رفت از آن*. اصفهان: نشر آموزه.
۱۵. ادیب، محمدحسین. (۱۳۸۰). *ایران و اقتصاد موج سوم*. اصفهان: نشر مؤلف.
۱۶. اردلان، نادر؛ و بختیار، لاله. (۱۳۸۰). *حس وحدت: سنت عرفانی در معماری ایرانی*. (حمید شاه‌رخ، مترجم). اصفهان: نشر خاک. (نشر اثر اصلی ۱۹۷۳).
۱۷. اریک بروئر، استیون. (۱۳۹۳). *نظریه انتقادی*. (پرویز علوی، مترجم). تهران: نشر افق.
۱۸. اسمیت، آدام. (۱۳۵۷). *ثروت ملل*. (سیروس ابراهیم‌زاده، مترجم). تهران: پیام.
۱۹. اشرف، احمد (۱۳۵۹). *موانع تاریخی رشد سرمایه داری در ایران: دوره قاجاریه*. تهران: زمینه.
۲۰. اشرف، احمد. (۱۳۷۱). *هویت ایرانی*. گفتگو. ۲(۳)، ۲۶۷.
۲۱. اشرف، احمد. (۱۳۷۲). چهار روایت از انقلاب مشروطه. *ایران نامه*. ۱۲(۴۳)، ۳۷۲-۳۶۳.
۲۲. اشرف، احمد. (۱۳۷۳). بحران هویت ملی و قومی در ایران. *ایران نامه*. ۱۳(۴۷)، ۵۵۰-۵۲۱.
۲۳. اشرف، احمد. (۱۳۸۷). هویت ایرانی به سه روایت، بخارا. ۴(۶۶)، ۱۲۷-۱۰۹.
۲۴. اشرف، احمد. (۱۳۹۵). *هویت ایرانی از دوران باستان تا پایان پهلوی*. (حمید احمدی، ترجمه و تدوین). تهران: نشر نی. (نشر اثر اصلی ۲۰۰۷).
۲۵. افشارنادر، کامران. (۱۳۷۷). ارزیابی وضعیت نظریه معماری در ایران امروز. *معمار*. ۲(۳)، ۳۶۲-۵.
۲۶. افشارنادر، کامران. (۱۳۸۰). آخرین تابو: مسئله پیشرفت، بحثی در مورد معیارهای داوری. *معمار*. ۵(۱۴)، ۱۷۱-۴.
۲۷. انصاری، حمیدرضا. (۱۳۹۵). *تحلیلی بر معماری معاصر ایران*. تهران: نشر سبزان.
۲۸. باتومور، تام. (۱۳۹۸). *مکتب فرانکفورت*. (حسینعلی نوذری، مترجم). چاپ هشتم. تهران: نشر نی. (نشر اثر اصلی ۱۹۹۵).
۲۹. بانی مسعود، امیر. (۱۳۸۴). *تاریخ معماری غرب از عهد باستان تا مکتب شیکاگو*. اصفهان: نشر خاک.
۳۰. بانی مسعود، امیر. (۱۳۸۸). *معماری معاصر ایران در تکاپوی سنت و مدرنیته*. تهران: هنر معماری قرن.
۳۱. بانی مسعود، امیر. (۱۳۸۷). *پست‌مدرنیته و معماری؛ بررسی جریان‌های فکری معماری معاصر غرب*. چاپ پنجم. اصفهان: نشر خاک.
۳۲. بانی مسعود، امیر. (۱۳۸۹). *معماری غرب: ریشه‌ها و مفاهیم*. تهران: مؤسسه فرهنگی هنری معماری قرن.
۳۳. بانی مسعود، امیر. (۱۳۹۴). *معماری ایران معاصر: در تکاپوی بین سنت و مدرنیته*. چاپ ششم. تهران: هنر معماری قرن.
۳۴. بانی مسعود، امیر. (۱۳۹۵). *پست‌مدرنیته و معماری؛ بررسی جریان‌های فکری معماری معاصر غرب*. چاپ پنجم. اصفهان: نشر خاک.
۳۵. بانی مسعود، امیر. (۱۳۹۹). *معماری معاصر در ایران از سال ۱۳۰۴ تا کنون*. مشهد: کتابکده کسری.
۳۶. باور، سیروس. (۱۳۸۸). *نگاهی به پیدایی معماری نو در ایران*. تهران: نشر فضا.
۳۷. بنه ولو، لئوناردو. (۱۳۵۳). *تاریخ معماری مدرن*. (سیروس باور، مترجم). تهران: مؤسسه نشر و انتشارات دانشگاه تهران. (نشر اثر اصلی ۱۹۷۷).
۳۸. بردبنت، جفری. (۱۳۷۵). *واسازی (دکستروکسپین): راهنمای دانشجویان*. (منوچهر مزینی، مترجم). تهران: شرکت پردازش و برنامه ریزی شهری (وابسته به شهرداری تهران). (نشر اثر اصلی ۱۹۹۱).

۳۹. براون، ام. نیل؛ و کیلی، استوارت ام. (۱۳۹۹). *راهنمای تفکر نقادانه*: پرسیدن سؤاال‌های به‌جا. (کورش کامیاب، مترجم). چاپ پانزدهم، تهران: مینوی خرد. (نشر اثر اصلی ۲۰۰۷).
۴۰. برمن، مارشال. (۱۳۹۲). *تجربه مدرنیته: هر آنچه سخت و استوار است دود می‌شود و به هوا می‌رود*. (مراد فرهادپور، مترجم). چاپ نهم، تهران: طرح نو. (نشر اثر اصلی ۱۹۸۲).
۴۱. بلوگولوفسکی، ولادیمیر. (۱۴۰۰). *مفنونین همیشگی*. (علی شامس و مهشید معتمد، مترجمان). جلد دوم. تهران: فکر نو. (نشر اثر اصلی ۲۰۱۵).
۴۲. بمانیان، محمدرضا؛ لیلیان، محمدرضا؛ و امیرخانی، آرین. (۱۳۸۹). *نظم و بی‌نظمی در معماری*. تهران: نشر طحان.
۴۳. بنیامین، والتر؛ آدورنو، تئودور؛ و مارکوزه، هربرت. (۱۳۹۵). *زیبایی‌شناسی انتقادی؛ گزیده نوشتار در باب زیبایی‌شناسی*. (امید مهرگان، مترجم). چاپ پنجم، تهران: گام نو. (نشر اثر اصلی ۱۹۳۶).
۴۴. بهنام، جمشید؛ و جهانگللو، رامین. (۱۳۸۲). *تمدن و تجدید (گفتگو)*. تهران: نشر مرکز.
۴۵. پاکباز، رویین. (۱۳۹۵). *دایره‌المعارف هنر (دوره ۳ جلدی)*. تهران: فرهنگ معاصر.
۴۶. پاکزاد، جهان‌شاه. (۱۳۹۰). *مقاله‌ای در باب مفاهیم معماری و طراحی شهری*. چاپ سوم. تهران: آرمان شهر.
۴۷. پالمز، ریچارد ا. (۱۳۹۳). *علم هرمنوتیک*. (محمدسعید حنایی کاشانی، مترجم). چاپ هشتم. تهران: نشر هرمس. (نشر اثر اصلی ۱۹۶۹).
۴۸. پل، ریچارد؛ و الدر، لیندا. (۱۴۰۰). *تفکر انتقادی، تدابیری برای آگاهانه زیستن و خوب آموختن*. (اکبر سلطانی و مریم آقازاده، مترجمان). چاپ چهارم. تهران: اختران. (نشر اثر اصلی ۲۰۰۲).
۴۹. پوپ، آرتور؛ و اکرم‌ن، فیلیپ. (۱۳۸۵). *سیری در هنر ایران*. (نجف دریابندری، مترجم). تهران: شرکت انتشارات علمی و فرهنگی. (نشر اثر اصلی ۱۹۸۱).
۵۰. پیرنیا، محمدکریم. (۱۳۷۰). *شیوه‌های معماری ایرانی*. تهران: نشر هنر.
۵۱. تامپسون، مل. (۱۳۹۷). *خودآموز فلسفه*. (بهرز حسن، مترجم). چاپ هفتم. تهران: فرهنگ نشر نو. (نشر اثر اصلی ۱۹۹۸).
۵۲. ثبات ثانی، ناصر. (۱۳۹۶). *بازشناسی معماری دوره ۱۳۲۰-۱۳۵۷ هـ. ش. در بناهای عمومی*. ارومیه: انتشارات دانشگاه ارومیه.
۵۳. جاویدصباغیان، مقداد؛ و سیداحمدی زاویه، سید سعید. (۱۳۹۲). *درآمدی بر مطالعات تطبیقی هنر در مقام یکی از گونه‌های مطالعاتی حوزه پژوهش هنر*. *نامه هنرهای تجسمی و کاربردی*، ۴(۱۲)، ۲۷۵.
۵۴. جهانگللو، رامین. (۱۳۸۵). *ایران در جستجوی مدرنیته: بیست گفتگو در بی‌بی‌سی با صاحب‌نظران ایرانی*. چاپ دوم. تهران: نشر مرکز.
۵۵. جهانگللو، رامین. (۱۳۸۶). *موج چهارم*. (منصور گودرزی، مترجم). چاپ پنجم. تهران: نشر نی. (نشر اثر اصلی ۲۰۰۵).
۵۶. جنکس، چارلز؛ و کروپف، کارل. (۱۳۹۷). *نظریه‌ها و مانیفست‌های معماری معاصر*. (احسان حنیف، مترجم). تهران: فکر نو. (نشر اثر اصلی ۱۹۹۷).
۵۷. جیمسون، فردریک. (۱۳۷۹). *پست مدرنیسم: منطق فرهنگی سرمایه داری متأخر*. (فرهنگ رجایی و همکاران، مترجمان). تهران: نشر هرمس. (نشر اثر اصلی ۱۹۸۹).
۵۸. چومی، برنارد. (۱۳۹۹). *معماری و انفصال*. (حسام عشقی صنعتی و مرتضی نیک‌فطرت، مترجمان). تهران: فکر نو. (نشر اثر اصلی ۱۹۹۴).
۵۹. حبیبی، محسن. (۱۳۸۵). *شرح جریان‌های فکری معماری و شهرسازی در ایران معاصر یا تأکید بر دوره زمانی ۱۳۵۷ تا ۱۳۸۳*. تهران: دفتر پژوهش‌های فرهنگی.
۶۰. حجت، عیسی. (۱۳۸۴). *هویت انسان‌ساز، انسان هویت‌پرداز (تأملی در رابطه هویت و معماری)*. *هنرهای زیبا*، ۱۰(۲۴)، ۶۲۵۵.
۶۱. حجت، عیسی. (۱۳۹۳). *سنت و بدعت در آموزش معماری*. تهران: دانشگاه تهران، مؤسسه انتشارات.
۶۲. حقدار، علی‌اصغر. (۱۳۸۰). *فراسوی پست مدرنیته: اندیشه شبکه‌ای، فلسفه سنتی و هویت ایرانی*. تهران: انتشارات شفیعی.
۶۳. حقدار، علی‌اصغر. (۱۳۹۵). *تحولات فرهنگی و سیاسی ایران معاصر*. استانبول: نشر مؤلف.
۶۴. حقیر، سعید؛ و کامل‌نیا، حامد. (۱۳۹۴). *نظریه مدرنیته در معماری*. تهران: مؤسسه چاپ و انتشارات دانشگاه تهران.
۶۵. حقیر، سعید؛ و کامل‌نیا، حامد. (۱۳۹۹). *نظریه مدرنیته در معماری ایران*. تهران: مؤسسه چاپ و انتشارات دانشگاه تهران.
۶۶. خاتمی، سیدمحمد. (۱۳۸۰). *گفت و گوی تمدن‌ها*. تهران: طرح نو.
۶۷. خاتمی، سیدمحمد. (۱۳۹۳). *تاریخ اجتماعی معاصر ایران*. تهران: نشر پایا.
۶۸. خوبی، حمیدرضا. (۱۳۷۹). *نقد و شبه‌نقد: تأملی در مواضع منتقدین در نقد آثار معماری*. پایان نامه دکتری، دانشکده هنرهای زیبا، تهران.
۶۹. خوبی، حمیدرضا. (۱۳۸۱). *صور نقد معماری در کتاب معماری و اندیشه نقادانه*. *خیال*، ۳(۱)، ۱۵۵۱۴۰.
۷۰. خوبی، حمیدرضا. (۱۳۸۲). *نقد آثار معماری در کارگاه معماری، مجموعه مقالات دومین همایش آموزش معماری و بررسی چالش‌ها، جستجوی راهکارها*. (به کوشش امیرسعید محمودی). تهران: نگاه امروز.
۷۱. خوبی، حمیدرضا. (۱۳۸۳). *نسبت دانش معماری با نقد آثار آن*. *خیال*، ۱۲(۱۲)، ۹۵۸۴.

۷۲. خویی، حمیدرضا. (۱۳۸۶). مقدماتی در باب نقد آثار معماری و شیوه‌های آن در دوره جدید. *پژوهشنامه فرهنگستان هنر*. ۲(۲)، ۶۱۴۶.
۷۳. دانایی‌فرد، حسن. (۱۳۸۸). روش شناسی عمومی نظریه پردازی، روش شناسی علوم انسانی. ۱۵(۵۸)، ۷-۳۲.
۷۴. دانایی‌فرد، حسن. (۱۳۹۸). *نظریه پردازی: مبانی و روش شناسیها*. چاپ پنجم. تهران: سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه‌ها (سمت)، پژوهشکده تحقیق و توسعه علوم انسانی.
۷۵. دانایی‌فرد، حسن؛ الوانی، مهدی؛ و آذر، عادل. (۱۳۸۳). *روش شناسی پژوهش کیفی در مدیریت؛ رویکردی جامع*. تهران: صفار.
۷۶. دانایی‌فرد، حسن؛ و اسلامی، آذر. (۱۴۰۰). *کاربرد نظریه داده بنیاد در عمل؛ ساخت نظریه بی تفاوتی سازمانی*. چاپ دوم. تهران: انتشارات دانشگاه امام صادق (ع).
۷۷. دال زوتو، سینزیا؛ و لوگامیر، آرتور. (۱۳۹۷). *همگرایی رسانه ای*. (سمیه لبافی و امیر مختاری و محدقه عقبایی، مترجمان). تهران: انتشارات دنیای اقتصاد. (نشر اثر اصلی ۲۰۱۶).
۷۸. دامیار، سجاد؛ و ناری قمی، مسعود. (۱۳۹۱). مطالعه تطبیقی مفهوم فضا در معماری بومی و معماری مدرن. *معماری و شهرسازی*. ۱۷(۱)، ۷۲۶۵-۷۲۶۵.
۷۹. دلوز، ژیل (۱۳۹۸). *نیچه و فلسفه*. (عادل مشایخی، مترجم). چاپ هفتم. تهران: نشر نی. (نشر اثر اصلی ۱۹۶۲).
۸۰. دورانت، ویل؛ و دورانت، آریل. (۱۳۸۴). *تاریخ تمدن: درآمدی بر تاریخ تمدن و درس های تاریخ*. (احمد بطحایی، مترجم). چاپ چهارم، تهران: سازمان انتشارات علمی و فرهنگی. (نشر اثر اصلی ۱۹۶۸).
۸۱. دیبا، داراب (۱۳۸۷). *کنش معماری و فرهنگ*. معماری و فرهنگ. ۱۰(۳۲)، ۵۱۴۷.
۸۲. دیباچ، موسی؛ و سلطان‌زاده، حسین. (۱۳۹۲). *فلسفه و معماری*. چاپ دوم. تهران: دفتر پژوهش های فرهنگی.
۸۳. رابرتسون، الکسا. (۱۳۹۸). رسانه و سیاست در دنیای در حال جهانی شدن. (محسن گودرزی، مترجم). تهران: پژوهشگاه فرهنگ، هنر و ارتباطات. (نشر اثر اصلی ۲۰۱۵).
۸۴. رجایی، فرهنگ. (۱۳۹۵). *مشکله هویت ایرانیان، ایفای نقش در عصر یک تمدن و چند فرهنگ*. چاپ هفتم. تهران: نشر نی.
۸۵. رجبی، پرویز. (۱۳۵۵). *معماری ایران در عصر پهلوی*. تهران: انتشارات دانشگاه ملی ایران.
۸۶. رضاقلی، علی. (۱۳۷۷). *جامعه شناسی نخبه‌کشی؛ قائم مقام/امیرکبیر/مصدق*. چاپ هفتم. تهران: نشر نی.
۸۷. روحی، پویان. (۱۳۹۹). *پیتر آیزنمن؛ یادداشت‌ها، گفت‌وگوها، مناظره‌ها*. مشهد: کتابکده کسری.
۸۸. رهبری، مهدی. (۱۳۸۰). *جهانی شدن. بازتاب اندیشه*. ۱۲(۲۱)، ۷۳۷۰-۱۷۱۱.
۸۹. رهبری، مهدی. (۱۳۸۱). بحران هویت فرهنگی در ایران معاصر. *نامه پژوهش*. ۱(۲۲۳)، ۸۴۵۳.
۹۰. رهبری، مهدی. (۱۳۸۵). معرفت و قدرت: هویت یگانه و یا چندگانگی هویتی. *پژوهشنامه علوم سیاسی*. ۱(۳)، ۹۸۷۳.
۹۱. رهبری، مهدی. (۱۳۸۶). *نخبگان و شکل‌گیری گفتمان توسعه در ایران*. پژوهش حقوق و سیاست. ۹(۲۲)، ۶۷۴۱.
۹۲. رئیس‌ی، ایمان. (۱۳۹۲). *نقد بازی: جستارهای نقد معماری*. مشهد: کتابکده کسری.
۹۳. ریکور، پل. (۱۳۹۷). *تاریخ و هرمنوتیک*. (مهدی فیضی، مترجم). تهران: نشر مرکز. (نشر اثر اصلی ۱۹۷۸).
۹۴. زیباکلام، صادق. (۱۳۹۳). *سنت و مدرنیته: ریشه‌یابی علل ناکامی اصلاحات و نوسازی سیاسی در ایران عصر قاجار*. چاپ هشتم. تهران: روزنه.
۹۵. سروش، عبدالکریم. (۱۳۹۲). *رازدانی و روشنفکری و دینداری*. چاپ نهم. تهران: صراط.
۹۶. سلطان‌زاده، حسین. (۱۳۹۶). *هویت معماری، کتاب معماران ایران*. جلد ۱. تهران: تیس، انجمن مفاخر معماری ایران.
۹۷. شایان، حمیدرضا؛ و معمار دزفولی، سجاد. (۱۳۹۳). بررسی تطبیقی رویکردهای معماری معاصر ایران؛ بازشناسی نظریه در آثار سه نسل از معماران، نقش جهان. ۲(۴)، ۱۰۱.
۹۸. شایگان، داریوش. (۱۳۹۶). *افسون‌زدگی جدید: هویت چهل‌تکه و تفکر سیار*. (فاطمه ولیانی، مترجم). چاپ دوازدهم. تهران: فرزانه روز. (نشر اثر اصلی ۲۰۰۵).
۹۹. شجاعی، مجتبی؛ و متین، مهرداد. (۱۳۹۸). *تبیین نشانه‌شناختی رمزگان در روش‌های بازنمایی معماری*. *آرمانشهر*. ۱۲(۲۹)، ۶۳-۴۵.
۱۰۰. شریعتی، علی. (۱۳۹۴). *بازشناسی هویت ایرانی - اسلامی*. خراسان: سپیده باوران.
۱۰۱. طاهایی، سعیدعطاالله. (۱۳۸۱). *تحلیل پدیده معماری پست‌مدرن و نسبت آن با معماری معاصر ایران*. پایان‌نامه دکتری، دانشکده معماری دانشگاه هنرهای زیبا، تهران.
۱۰۲. طبری، احسان. (۱۳۵۴). *فروپاشی نظام سنتی و زایش سرمایه داری در ایران از آغاز تمرکز قاجار تا آستانه انقلاب مشروطیت*. تهران: مرکز اسناد انقلاب اسلامی.
۱۰۳. عابدی، محمود. (۱۳۹۵). *نقش نوآوری در هویت کالبدی معماری معاصر ایران (۱۳۹۴ - ۱۳۵۷)*. پایان‌نامه دکتری، دانشکده معماری و شهرسازی دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکزی، تهران.
۱۰۴. عبدالکریمی، بیژن. (۱۳۷۱). *سنت روشنفکری جدید*. کیان. ۸(۲)، ۱۷۱۱.

۱۰۵. عبدالکریمی، بیژن. (۱۳۸۳). *مونیسم یا پلورالیسم* (نقد افسون زدگی جدید). تهران: یادآوران.
۱۰۶. عبدالکریمی، بیژن. (۱۳۸۵). نقدی بر قرائت پست مدرن از اندیشه شریعتی. *دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه اصفهان*. ۴۶(۲۳): ۸۰۶۱.
۱۰۷. عبدالکریمی، بیژن. (۱۳۸۸). دوران پست مدرن و فروپاشی نهادهای سنتی. *بازتاب اندیشه*. ۱۱۹(۱۰): ۱۰۹۱۰۳.
۱۰۸. عبدالکریمی، بیژن. (۱۳۹۶). *مونیسم یا پلورالیسم (واکاوی هستی‌شناسی یک نظریه اجتماعی)*. تهران: نقد فرهنگ.
۱۰۹. عبدالکریمی، بیژن. (۱۳۹۸). *بازخوانی پرسش از پست‌مدرنیسم ایرانی*. تهران: مرکز پژوهش‌های اسلامی.
۱۱۰. علیخانی، علی‌اکبر. (۱۳۸۳). *مبانی نظری هویت و بحران هویت*. تهران: پژوهشکده علوم انسانی و اجتماعی جهاد دانشگاهی.
۱۱۱. علیخانی، علی‌اکبر. (۱۳۸۴). *هویت در ایران*. تهران: پژوهشکده علوم انسانی و اجتماعی جهاد دانشگاهی.
۱۱۲. قاسمی سیچانی، مریم. (۱۳۸۲). معماری اصفهان در دوره پهلوی اول. *معماری و فرهنگ*. ۵(۱۵۱۶): ۱۱۴۱۰۶.
۱۱۳. قاسمی سیچانی، مریم. (۱۳۸۳). معماری اصفهان در دوره پهلوی دوم. *معماری و فرهنگ*. ۶(۱۸۱۹): ۱۲۱۱۱۵.
۱۱۴. قبادیان، وحید. (۱۳۸۲). معماری دارالخلافه ناصری: سنت و تجدد در معماری معاصر تهران. تهران: پشوتن.
۱۱۵. قبادیان، وحید. (۱۳۹۲). *سیک‌شناسی و مبانی نظری در معماری معاصر ایران*. تهران: مؤسسه علم معمار روپال.
۱۱۶. قبادیان، وحید. (۱۳۹۵). *ما میراث‌داران میراث‌خواریم. طراح امروز*. ۸، (۶): ۸.
۱۱۷. قبادیان، وحید. (۱۴۰۰). *سیک‌شناسی و مبانی نظری در معماری معاصر ایران*. چاپ چهارم. تهران: علم معمار.
۱۱۸. قبادیان، وحید. (۱۴۰۱). *مبانی و مفاهیم در معماری غرب*. چاپ سی و هفتم. تهران: دفتر پژوهش‌های فرهنگی.
۱۱۹. کاتز، هلن. (۱۳۹۷). رسانه. *نفیسه حقیقت جوان*. مترجم. تهران: نشر افکار. (نشر اثر اصلی ۲۰۱۳).
۱۲۰. کسرای، محمدسالار. (۱۳۸۴). *چالش سنت و مدرنیته در ایران*. چاپ دوم. تهران: نشر مرکز.
۱۲۱. کلنر، داگلاس. (۱۳۹۴). *نظریه انتقادی از مکتب فرانکفورت تا مکتب پسا‌مدرن*. (محمد مهدی وحیدی، مترجم). چاپ دوم، تهران: سروش؛ انتشارات صدا و سیمای جمهوری اسلامی ایران. (نشر اثر اصلی ۱۹۸۹).
۱۲۲. کوربین، جولیت ام؛ و استراوس، آنسلم ال. (۱۴۰۰). *اصول تحقیق کیفی: شیوه‌ها و رویه‌های توسعه‌گراند تئوری*. (ناهد دهقان نیری و علی فخرموحدی و مریم اسماعیلی و تابنده صادقی و زهرا طیبی، مترجمان).
- تهران: اندیشه رفیع. (نشر اثر اصلی ۱۹۹۸).
۱۲۳. کورثا، چارلز. (۱۳۸۷). *هویت در معماری: در جست‌وجوی هویت*. (ابوالفضل توکلی شان‌دیز، مترجم). آینه خیال. ۲(۹): ۸۳۸۲. (نشر اثر اصلی ۱۹۸۳).
۱۲۴. کهون، لارنس. (۱۳۹۶). *از مدرنیسم تا پست‌مدرنیسم*. (عبدالکریم رشیدیان، مترجم). چاپ دوازدهم، تهران: نشر نی. (نشر اثر اصلی ۲۰۰۳).
۱۲۵. کیانی، مصطفی. (۱۳۸۳). *معماری دوره پهلوی اول: دگرگونی اندیشه‌ها، پیدایش و شکل‌گیری معماری دوره بیست ساله معاصر ایران ۱۳۲۰ - ۱۳۹۹*. تهران: مؤسسه مطالعات تاریخ معاصر ایران.
۱۲۶. گذار، آندره. (۱۳۵۸). *هنر ایران*. (بهرز حبیبی، مترجم). تهران: انتشارات دانشگاه شهید بهشتی. (نشر اثر اصلی ۱۹۶۲).
۱۲۷. گرین، آنا؛ و تروپ، کاتلین. (۱۴۰۰). *خانه‌های تاریخ: خوانشی انتقادی از تاریخ و نظریه در سده بیستم*. (بهزاد کریمی، مترجم). تهران: نشر مرکز. (نشر اثر اصلی ۱۹۹۹).
۱۲۸. گیدنز، آنتونی. (۱۳۹۷). *جامعه‌شناسی: با تجدیدنظر کامل و روزآمد شده*. ویراست چهارم. (حسن چاووشیان، مترجم). چاپ سیزدهم، تهران: نشر نی. (نشر اثر اصلی ۲۰۰۶).
۱۲۹. گیدنز، آنتونی. (۱۳۹۸). *تجدد و تشخیص: جامعه و هویت شخصی در عصر جدید*. (ناصر موفقیان، مترجم). چاپ یازدهم، تهران: نشر نی. (نشر اثر اصلی ۱۹۹۲).
۱۳۰. گیرتز، کلیفورد. (۱۳۹۹). *تفسیر فرهنگ‌ها*. (محسن ثلاثی، مترجم). تهران: نشر ثالث. (نشر اثر اصلی ۱۹۷۳).
۱۳۱. لوینز، آن؛ و سیلور، کریستینا. (۱۳۹۹). *راهنمای گام به گام استفاده از نرم‌افزار MAXqda2 در تحقیق کیفی*. (ابوالفضل رضانی، مترجم). چاپ دوم. تهران: نشر جامعه‌شناسان. (نشر اثر اصلی ۲۰۰۷).
۱۳۲. لیبسکیند، دانیل. (۱۴۰۰). *لبه نظم*. (مرتضی نیک‌فطرت، مترجم). تهران: فکر نو. (نشر اثر اصلی ۱۹۹۰).
۱۳۳. لیندولم، چارلز. (۱۳۹۷). *فرهنگ و هویت: تاریخ، نظریه و کاربرد انسان‌شناسی روان‌شناختی*. (محسن ثلاثی، مترجم). چاپ دوم، تهران: نشر ثالث. (نشر اثر اصلی ۲۰۰۱).
۱۳۴. مختاری طالقانی، اسکندر. (۱۳۹۰). *میراث معماری مدرن ایران*. تهران: دفتر پژوهش‌های فرهنگی.
۱۳۵. مصلحت‌جو، امیرداود. (۱۴۰۰). *هویت: ماهیت نهفته در معماری*. تهران: چشم‌ساعی.
۱۳۶. معینی علمداری، جهانگیر. (۱۳۸۸). *نظریه انتقادی جدید: فراسوی پست‌مدرنیسم و اندیشه انتقادی*. *پژوهش سیاست نظری*. ۱(۶): ۷۵-۶۱.
۱۳۷. ملکیان، مصطفی. (۱۳۸۸). *سنت و سکولاریسم (مجموعه گفتار)*. چاپ پنجم. تهران: انتشارات صراط.

۱۳۸. مهدوی‌نژاد، محمود؛ بمانیان، محمدرضا؛ و خاکسار، ندا. (۱۳۸۹). هویت معماری، تبیین معنای هویت در دوره‌های پیشامدرن، مدرن و فرامدرن، هویت شهر. ۴(۷)، ۱۱۳-۱۲۲.
۱۳۹. میرباباپور، مصطفی؛ و ساجدی، ابوالفضل. (۱۳۹۲). دین و مدرنیته؛ بررسی رویکرد فروکاهشی به دین در نسبت با مدرنیته. معرفت کلامی. ۴(۱۰)، ۱۱۴۹۳.
۱۴۰. میرسپاسی، علی. (۱۳۹۸). تأملی در مدرنیته ایرانی: بحثی درباره گفتمانهای روشنفکری و سیاست مدرنیزاسیون در ایران. (جلال توکلین، مترجم). چاپ چهارم. تهران: طرح نو. (نشر اثر اصلی ۲۰۰۰).
۱۴۱. میرمیران، هادی. (۱۳۸۹). ویژه‌نامه. شارستان. ۲۷(۷)، ۱۰۰-۱۴.
۱۴۲. ناری قمی، مسعود. (۱۳۹۵). *پارادایم‌های مسئله در معماری: رویکردی به طرح مسئله فرهنگ گرا و کاربردمحور در معماری*. تهران: مؤسسه علم رویال معمار.
۱۴۳. نفیسی، سعید. (۱۳۹۰). *تاریخ اجتماعی و سیاسی ایران در دوره معاصر*، جلد اول. (به اهتمام عبدالکریم جریزه دار). تهران: انتشارات اساطیر.
۱۴۴. نقی‌زاده، محمد. (۱۳۷۹). رابطه هویت سنت معماری ایران با مدرنیسم و نوگرایی. هنرهای زیبا. ۱(۷)، ۹۱۷۹.
۱۴۵. نوذری، حسینعلی. (۱۳۸۹). *پست مدرنیته و پست مدرنیسم: تعاریف، نظریه‌ها و کاربردها*. چاپ سوم. تهران: نقش جهان.
۱۴۶. نوربرگ شولتز، کریستین. (۱۳۷۲). هایدگر و معماری پسامدرن. (کاوه میرعباسی، مترجم). *کیهان فرهنگی*. ۱۰(۱۰۱)، ۱۸۱۶. (نشر اثر اصلی ۱۹۸۳).
۱۴۷. نیک‌فطرت کرم‌حله، مرتضی. (۱۳۹۸). *پدیدارشناسی ادراکات چندحسی در آثار معماری معاصر ایران* (دهه هشتاد شمسی تاکنون)، پایان‌نامه دکتری، دانشکده عمران، هنر و معماری دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات، تهران.
۱۴۸. ورجاوند، پرویز. (۱۳۸۶). حفظ هویت فرهنگی برای دورشدن از فرهنگ تسلیم، *اطلاعات سیاسی - اقتصادی*. ۲۲(۲۴۱-۲۴۲)، ۶۹۵۴.
۱۴۹. ونتوری، روبرت. (۱۳۸۹). *پیچیدگی و تضاد در معماری*. (علی رضا میرترابی و محمدرضا منوچهری، مترجمان). تهران: انتشارات سمیرا. (نشر اثر اصلی ۱۹۷۷).
۱۵۰. ویویورکا، میشل. (۱۳۷۸). چالش‌های جامعه‌شناسی در دوران معاصر. (هوشنگ فرخجسته، مترجم). *اطلاعات سیاسی - اقتصادی*. ۶(۱۴۹۱۵۰)، ۸۹۸۲.
۱۵۱. هارپر، کریستوفر. (۱۳۹۴). *رسانه‌های نوین*. (علی اصغرکیا، مترجم). تهران: نشر علم. (نشر اثر اصلی ۲۰۰۲).
۱۵۲. هارکوپ، تونی. (۱۳۹۳). *ژورنالیسم: مفاهیم نظری و کاربردی*. (داود حیدری، مترجم). تهران: انتشارات سروش. (نشر اثر اصلی ۲۰۰۴).
۱۵۳. هاینز، هیلده. (۱۴۰۰). *معماری و مدرنیته*. (احسان حنیف، مترجم). تهران: فکر نو. (نشر اثر اصلی ۱۹۹۹).
۱۵۴. همسرلی، مارتین. (۱۴۰۰). *مفهوم فرهنگ: تاریخچه و ارزیابی*. (حجت‌اله خدری غریبوند و ولی‌اله نصیری، مترجمان). تهران: انتشارات نقد فرهنگ. (نشر اثر اصلی ۲۰۱۹).
۱۵۵. هنرمند، منوچهر. (۱۳۴۷). *دیالکتیک ناسیونالیته ایرانی در تاریخ ادبیات فارسی (مسیر ملیت در تاریخ ادبیات فارسی)*. تهران: انتشارات علمی.
۱۵۶. یارشاطر، احسان. (۱۳۷۳). *هویت ملی ایران*. نامه. ۱۲(۴۷)، ۴۳۰۴۲۳.
۱۵۷. یارشاطر، احسان. (۲۰۱۶). *حکمت تمدنی: گزیده آثار استاد احسان یارشاطر، ویراست دوم*. (به کوشش و با پیشگفتار محمد توکلی طرقی و همایون کاتوزیان). تورنتو: کتاب ایران نامگ.
158. Brinkmann, S. (2022). *Qualitative Interviewing: Conversational Knowledge Through Research Interviews*. Oxford: Oxford University Press.
159. Charmaz, K. (2021). *The genesis, grounds, and growth of constructivist grounded theory*. London: Routledge.
160. Clark, T., Foster, L., Bryman, A., & Sloan, L. (2021). *Bryman's social research methods*. Oxford: Oxford University Press.
161. Diba, D. (2018). *Iran Contemporary Architecture*. Tehran: Ābān books pub.
162. Flick, U. (2022). *The SAGE Handbook of Qualitative Research Design: An introduction to qualitative research*. Newcastle upon Tyne: SAGE.
163. Habermas, J. (1992). *Postmetaphysical thinking: Philosophical essays*. Cambridge: mit Press.
164. Hassan, I. (1993). *Toward a concept of postmodernism*. Hong Kong: Flipbooks.
165. Jameson, F. (2016). *Postmodernism, or the cultural logic of late capitalism*. London: Routledge.
166. Jencks, Ch. (1973). *Modern Movements in Architecture*. London: Anchor Press.
167. Jencks, Ch. (1977). *The language of postmodern architecture*. New York: Rizzoli
168. Jencks, Ch. (1987). Postmodern and late modern: The essential definitions. *Chicago Review*, 35(4), 3158.

169. Jencks, Ch. (1991). *Postmodern vs. latemodern*. Indiana: Indiana University Press.
170. Jencks, Ch. (1995). *The architecture of the jumping universe: A polemic: How complexity science is changing architecture and culture*. London: Academy Editions.
171. Jencks, Ch. (1996). *What is postmodernism?* London: Academy Editions.
172. Jencks, Ch. (2005). *The iconic building*. New York: Rizzoli.
173. Jencks, Ch. (2007). Why Critical Modernism?. *Architectural Design*, 77(5), 140145.
174. Jencks, Ch. (2012). *The story of postmodernism: Five decades of the ironic, iconic and critical in architecture*. New York: John Wiley & Sons.
175. Jencks, Ch. & Kropf, K. (Eds.). (1997). *Theories and manifestoes of contemporary architecture* (Vol. 312). Chichester: Academy Editions.
176. Jencks, Ch. & Silver, N. (2013). *Adhocism; expanded and updated edition: The Case for Improvisation*. Mit Press.
177. Halliday, M., Alexander K., Matthiessen, C. M., Halliday, M., & Matthiessen, C. (2014). *An introduction to functional grammar*. London: Routledge.
178. Mayring, P. (2021). *Qualitative content analysis: A stepbystep guide*. *Qualitative Content Analysis*. Newcastle upon Tyne: SAGE.
179. Stets J. E., & Serpe, R. T. (2016). *New directions in identity theory and research*. (Eds.). Oxford: Oxford University Press.



Iran Contemporary Architecture and the Problem of Identity (A Realistic Representation of the Post-Modernism Critical Reading in Architecture)

Amir Davood Maslahatjoo, Department of Architecture, Shahrekord Branch, Islamic Azad University, Shahrekord, Iran.

Maryam Ghasemi Sichani, Associate Professor, Department of Architecture, Isfahan Branch, Islamic Azad University, Isfahan, Iran.*

Vahid Ghobadian, Department of Architecture, Central Tehran Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran.

Bijan Abdolkarimi, Department of Philosophy, North Tehran Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran.

Abstract

Post-modernism is the dominant aspect of the cultural belief of the time that re-frames all actions and constructs distinct ideas of experiences and conditions at the deepest levels and everything that can be known about the contemporary world; As long as the centralized power gives way to a discrete plurality, and bring to the fore a manifestation of contemporary identity in the current era. This research - which has been done using the qualitative method and the grounded theory approach - with the general purpose to analyze and interpret the identity of Iran contemporary architecture based on post-modernity and critical thought, looking for an answer to this question, How can identity, as a critical approach, have an effect on the recognition of post-modern architecture - especially in the Iran contemporary era? In this research, the systematic approach known as Strauss and Corbin's theory (2019) was used to analyse the data. According to the classification of Corbin and Strauss (2022), the systematic approach has three stages of open coding (concepts), axial coding (Casual Conditions, Actions & Interactions, Context, Intervening Conditions and Consequences) and selective coding. In the collection and extraction of the main categories and sub-categories, from the documentary and citation resources and the interview tools have been used. The special emphasis of the research is on the views and opinions of those professors and architects who work both academically and professionally. Hence, the research data has been compiled and analysed in semi-structured interviews. The responses at the highest saturation level reached relative saturation in the 17th interview. The interview process is continued until the 25th to ensure the data and obtain absolute saturation. The content of data was coded by Strauss and Corbin coding method in three stages (open, central and selective). In the coding process of 17 interviews, the frequency of the 5969 coded items, was reduced to 317 open codes from the frequency ratio of 1337 codes after refining and merging. The obtained codes, in the number of 53 axial categories and 8 selective categories, were related to the axial theme of Iran Contemporary Architecture Identity. The Observations Percentage Agreement of 90.37% indicates relatively complete reliability and coverage of criterion level of more than 0.6 of Kappa coefficient, describing validity as ideal. Therefore, the research quality index is acceptable, and the reliability and validity of the research are confirmed. The research results can be valuable and interpreted by examining the criteria of matching, generalization, understanding, and control. The findings show that the result of summarizing the causal variables of the research in the mediating conditions of the existing situation, provides an event that in a fundamental attitude, between the (narcissism to self-defeat) truth and (self-belief) Iranian essence, and in a historical discourse, between a re-reading of what exists and a re-presentation of what should exists, in a Preventive (and not Mandatory) form and in a reading of a critical realism and feedback interpretation of self-reflection evaluation from the feedback of others, they recreate the way of being.

Keywords: Identity, Event, Dialectic, Critical Realism, Iran Contemporary Architecture.

* Corresponding Author Email: mghasemi@khuisf.ac.ir